

فهرست گروه تحقیق:

- 1- قاضي نفيسه كابلې
- 2- عبدالحميد رزاق
- 3- انيسه صافي
- 4- مليحه مير

تصحيح: هنگامه انوری

بخش اول

بحث مقدماتي

1. معرفي موضوع:

فرار در لغت به معني ترک عمدي محل و يا اقامتگاه است که به منظور دفع خطر و صيانت فزيکي در حالیکه قبلاً چنین قصد و پلان نشده باشد؛ صورت گیرد. در اصطلاح فرار ترک غير معمولي منزل و يا محل سکونت بدون توافق، استيذان و يا اطلاع قبلي اعضاي خانواده می باشد.¹

و اما فرار از منزل در اين گزارش بیشتر به فرار هاي اشاره میکند که از سوي زنان و دختران و به منظور رهايي از خشونت هاي اعمال شده عليه آنها در محيط خانواده صورت میگیرد.

دختران و زنانی که از منزل فرار میکنند به مجردي که پا را از منزل به بیرون میگذارند به انواع و اقسام مشکلات و ناسازگاري ها مواجه میشوند، مردم به آنان به چشم افراد رانده شده از اجتماع میبینند، محل امن براي پناه بردن آنها به مشکل پیدا می شود، در مسیر راه به انواع خشونت و سوءاستفاده ها مواجه میشوند و مهم تر از همه آنکه اين زنان و دختران بیشتر از اینکه به حيث قرباني مورد برخورد قرار گیرند؛ به حيث مجرم دیده میشوند.

¹----- فرهنگ د هخدا، (تهران : دانشگاه تهران ، 1341)ص88

نحوه بر خورد با قضايای فرار از منزل در کشور ما از دير گاه بدینسو بر مبنای ابهامات استوار بوده است که در نتیجه این ابهامات برداشت های متفاوتی از جرمی بودن و یا نبودن این موضوع گاه نا گاه صورت گرفته است. بررسی قضايای فرار از منزل گاه از جانب مراجع عدلی و قضایی و گاهی هم به وسیله نهاد های مانند وزارت امور زنان و در اغلب موارد بر اساس فیصله های جرگه های قومی صورت گرفته است. در میان قضايای فرار از منزل انواع متعدد از موضوعات به مشاهده میرسد که در آن عوامل و مقاصد گوناگون دخیل است. فرار از منزل به مقصد فرار از خشونت های دوامدار و غیر قابل تحمل، فرار از منزل به خاطر فرار از ازدواج های اجباری و... ما در این گزارش تلاش کرده ایم پدیده فرار از منزل را از جهات مختلف مورد بررسی قرار دهیم که این جهات در برگزیده مسایل شرعی، قوانین نافذ در کشور و موازین بین المللی حقوق بشر می شود. این گزارش در جهت روشن کردن چگونگی موضوع فرار از منزل از دیدگاه ارشادات دین مبین اسلام و قوانین نافذ کشور به بحث این موضوع میپردازد که آیا فرار از منزل به تنهایی جرم است یا خیر؟ بر علاوه نحوه برخورد ادارت مسول را با قضايای فرار از منزل به بررسی میگیرد و در عین زمان قضايای عینی از نحوه و عوامل فرار دختران و زنان را ارائه میکند. به شکل کل فرار از منزل به ذات خود یکنوع قیام و احتجاج زنان و دختران علیه خشونت های خانوادگی و اجتماعی است که به آنها تحمیل میشود. نمونه های بارز این خشونت ها شامل نامزدی های اجباری، ازدواج های اجباری، بد دادن، خشونت های فیزیکی مانند لت و کوب، خشونت های روانی مانند تهدید و تحقیر، رفتار

تبعیض آلود و سایر نابرابری های بوده است که بالای زنان معمولاً از جانب اعضای خانواده هایشان تحمیل میشود.

این گزارش به اساس تحقیقات انجام شده در شهر کابل و اطراف آن پس از گفتگوهای مستقیم با تعداد (30) تن از زنان و دختران متهم به جرم فرار از منزل که در محبس عمومی زنانه پلچرخي و توقیفخانه ولایت کابل، مرکز اصلاح و تربیت خوردهسالان و خانه های امن به سر میبرند و مسوولین زندانها و مراجع عدلی قضایی و حقوقی تهیه شده است. بر علاوه درین گزارش دیدگاه های اجتماع در رابطه به پدیده فرار از منزل نیز بازتاب یافته است.

2. اهمیت این گزارش:

شرح قضایا و واقعیت های درد ناک زندگی زنان کشور ما که ناشی از وقایع فرار از منزل است میتواند ما را به عمق مشکلات ودشواری های که زنان با آن مواجه اند متوجه کند.

بر علاوه این گزارش روی جهات مختلف اثرات فرار از منزل روی زندگی نه تنها زنان و دختران بلکه کودکان، مردان، اعضای خانواده و جامعه و همچنان اثرات ناگوار آن روی سیستم و نظام گرم خانواده، روشنی میاندازد.

این گزارش میتواند برای شوهران و اعضای خانواده وسایر افرادی که در کشاندن یک زن به فرار از منزل نقش دارند بجهت یک تجربه و هوشداراز عواقب ناگوار اعمال شان حساب شود که در نتیجه خواهد توانست در

کاهش و محو خشونت و قضایا فرار از منزل موثر واقع شود.

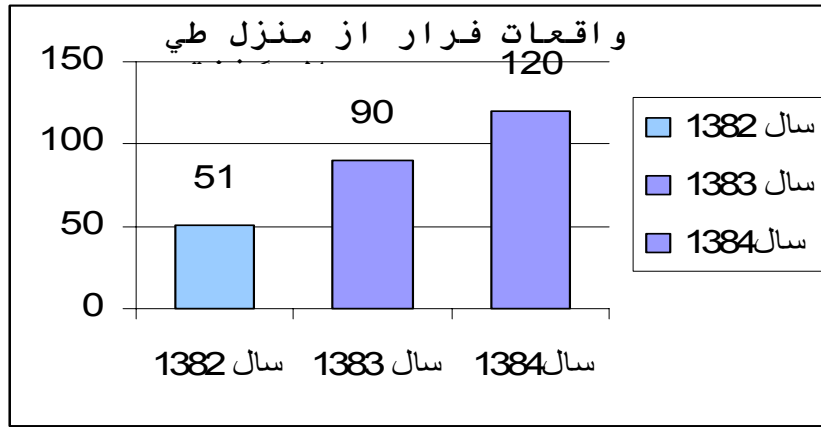
این گزارش میتواند نقطه عطفی را برای ارگان های عدلی و قضایی کشور تشکیل دهد تا در زمان برخورد با قضایای فرار از منزل عوامل و مشکلات عینی زنان را نیز به حیث عامل زمینه ساز مورد توجه قرار دهند. با آغاز به کار پارلمان گزارش هایی که قضایای فرار زنان از خانه ها را بازتاب می دهد، شاید بتواند به گونه ای شواهد عینی و مدارک مستند رابه پارلمان ارائه کند تا مورد دقت بیشتر قرار گرفته و با عث ایجاد تغییرات مثبت در قوانین و نحوه تطبیق قوانین در افغانستان شود.

بلاخره این گزارش میتواند آغازی باشد برای تحقیقات بیشتر در مورد حقوق زنان و اطفال از نگاه شریعت اسلام و قوانین نافذ در کشور.

3. خلاصه گزارش:

آنچه در این گزارش انعکاس یافته است نشان میدهد که فرار از منزل میتواند نوعی قیام زنان در برابر خشونت های جاری غیر قابل تحمل برای آنها باشد و یا به عباره دیگر زنان در بسیاری حالات از فرار از منزل به حیث آخرین راه چاره استفاده میکنند.

بر علاوه این گزارش نشان میدهد که عمدتاً مرتکبین قضایای فرار از منزل رازبان شوهردار و دختران نوبالغ تشکیل میدهد که اکثراً بیسواد و یا کم سواد اند. از نظر اقتصادی فیصدي قابل ملاحظه از مفرورين در سطح نازلي قرار دارند. علاوه بر آن در این گزارش کوشش شده است تا ارقام مشخص پیرامون فرار از منزل طی سه سال اخیر خدمت خواننده گان ارائه شود، چنانچه گراف شماره (1) به این موضوع وضاحت داده است.



بع
داز

مطالعه گراف بالا واضح می شود که واقعا مرتکبین این عمل روبه افزایش است و این موضوع سیر صعودی را می پیماید زیرا در سال 1382 درخارنوالی 51 واقعه، در سال 1383 مجموعاً 90 واقعه و در سال 1384 به تعداد 120 واقعه فرار از منزل ثبت شده است.²

4. مردم به پدیده " فرار از منزل" چگونه می بینند؟

« . . . زن بدون اذن شوهر از خانه برآمده نمی تواند اما این حکم مطلق نبوده و استثنائی به آن وارد می شود مثلاً اگر مرد مهر زن را نداده باشد و یا زن به عیادت پدر و مادر برود و یا اینکه بیمار شود جهت تداوی از خانه برآید و یا اینکه از اثر ظلم و ستم مرد از خانه فرار کند...» (یکی از علمای دینی)

« اگر یک زن به اساس جبر و اکراه و الفاظ نادرست ورکیک شوهرش منزل خویش را ترک و بجای دیگری پناه می برد این فرار وی هیچ نوع مسوولیت ندارد و اما اگر

² - ارقام متذکره به استناد مکتوب شماره 981/1831 مورخ 85/3/3 واصله لوی خارنوالی به اداره نهاد تحقیقاتی نگاشته شده است

به منظور عیاشی و خوش گذرانی مرتکب این عمل می شود فرار وی جرم پنداشته شده و مورد پی گرد قضایی قرار می گیرد» (نظریکتن از قضات ستره محکمه)

« . . . در شرایط فعلی خشونت های خانوادگی و انواع و اقسام فشارهای روانی، فیزیکی و غیره باعث فرار دختران و زنان از منزل می شود. . . » (نظریکتن از مردم عام)

« حقوق فامیل نه تنها به شکل صریح و روشن ان در اعلامیه جهانی حقوق بشر تسجیل شده بلکه قانون مدنی کشور ما نیز به آن اشاره کرده و حقوق و مسوولیت های زوجین را به خوبی تنظیم کرده است. اما تا جاییکه دیده شده بیشتر مردان در خانواده ها تحت عناوین مختلف که از باورهای جامعه ما ملهم شده است و این باورها در مغایرت با اصول پذیرفته شده فوق الذکر قرار دارد؛ مانع تساوی حقوقی میان زن و مرد شده و حقوق آنها را شدیداً محدود می کنند که این امر زمینه اعمال خشونت ها را بالای زنان مساعد کرده و آنها را مجبور می کند تا از منزل فرار کنند. . . » (نظریکتن از فعالین حقوق بشر)

5. اهداف تحقیق:

- این تحقیق بر مبنای اهداف ذیل تدویر یافته است:
1. تثبیت اینکه آیا فرار از منزل جرم است یا نه؟
 2. برخورد ارگانهای عدلی و قضایی در برابر قضایای فرار از منزل چگونه است.
 3. برداشتن پرده از روی دردها و مصایب که قربانیان این خشونت متحمل شده اند.

4. جستجوی راه های حل و طرح پیشنهادات برای جلوگیری از تکرار و تداوم آن

6. روش تحقیق:

این تحقیق بر منظور بررسی و تحقیق عینی قضایای فرار از منزل با استفاده از شیوه انجام مصاحبه با ارگان های حراست از قانون و مسوولین زندانها، ریاست جمعیت علما و روحانیون وزارت حج و اوقاف، مسوولین کمیسیون مستقل حقوق بشر، مرتکبین قضایای فرار از منزل، ملا امامان مساجد و تکمیل سوالنامه ها از طریق تماس با روشنفکران و مردم عام و قربانیان قضایای فرار از منزل صورت گرفته است.

از آنجاییکه این تحقیق از محرمیت خاصی برخوردار است؛ بناً نامهای قربانیان فرار از منزل در گزارش درج نشده و مصاحبه های آنها بمنظور حفظ مصونیت شان ماخذ داده نشده است.

تحقیق پس از طی مراحل ذیل به پایه اكمال رسیده است.

- مرحله جمع آوری معلومات:

معلومات این راپوربا استفاده از روشهای مختلف تحقیق چون مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه بدست آمد. طوریکه بعد از سپری نمودن یکدوره آزمایشی، کاستی های ابزاریاد شده توسط محقق اصلاح شد، و بعد از اصلاح معلومات لازمه از طرف محققین جمع آوری شد.

- منابع:

بمنظور تسریع پروسه جمع آوری معلومات تماس های مستقیم با افراد فراری از منزل در محبس عمومی زنانه پلچرخي، توقیفخانه زنانه ولایت کابل، مرکز اصلاح و تربیت خورد سالان و خانه های امن صورت گرفت.

انجام مصاحبه با ارگانهای عدلی و قضائی ریاست حقوق وزارت امور زنان، ریاست جمعیت علما و روحانیون وزارت حج و اوقاف، ملا امامان مساجد نیز صورت گرفت.

بر علاوه متون قانونی و تاریخی و سایر اسناد مرتبط به موضوع بررسی شده و نتایج آن در گزارش انعکاس داده شد.

- تحلیل و بررسی معلومات:

معلومات بدست آمده به صورت همه جانبه مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و در نتیجه نکات برآزنده و اساسی مشخص شده است.

7. ارقام و آمار:

بنابر محدودیت امکانات ما از نظر وقت و زمان و محدود بودن امکانات مالی تحقیق تنها در شهر کابل صورت گرفت. در این تحقیق از (200) پرسشنامه، (76) مصاحبه و (18) مشاهده ذیلاً استفاده شده است.

الف: به تعداد 200 پرسشنامه از مردم عام جمع آوری شد.

ب: به تعداد 76 مصاحبه به شکل ذیل صورت گرفت:

- 1- 10 تن قضات
- 2- 9 تن حارنوال
- 3- 8 تن علما و روحانیون وزارت حج و اوقاف
- 4- 7 تن ملا امامان مساجد
- 5- 5 تن از کارمندان کمیسیون مستقل حقوق بشر
- 6- 4 تن از کارمندان ریاست حقوق وزارت امور زنان
- 7- 3 تن از مسولین زندان
- 8- 9 تن زنان و دختران داخل شلتر (خانه امن)
- 9- 19 تن از متهمین محبس پلچرخي وتوقيف زنانه ولایت کابل

10-2 تن متخلف از مرکز اصلاح و تربیت

ج: از اجزای نواحی و حوزه های حارنوالی و پولیس به ترتیب ذیل مشاهد صورت گرفت:

1. به تعداد 9 قضیه از حارنوالی
2. به تعداد 8 قضیه از پولیس

8- محدودیت های تحقیق:

1. مرتکبین اکثراً کوشش می کردند طی مصاحبه ها آن گوشه های قضیه را که خودشان مسوول بودند مکتوم نگه دارند.
2. به افرادی که مرتکب خشونت شده و زمینه فرار از منزل را فراهم کرده بودند کمتر دسترسی داشتیم.
3. عدم دسترسی به علمای جید دینی و حقوقدانان مجرب بنابر مصروفیت های زیاد آنها.
4. عدم دسترسی به منابع و ماخذ معتبر در این مورد.

9. اصول کاری:

بصورت کلی در تمام جریان این تحقیق تلاش شد در جریان تحقیق، اصول و ارزش های استندرد تحقیق رعایت شود.

1. توجه و دقت بکار رفته است تا قضایای واقعی جمع آوری شود.
2. تحلیل و تجزیه معلومات نباید چکیده افکار و اندیشه های فرد تحقیق کننده بوده باشد. اصل امانت داری رعایت شده است.
3. اجرای این تحقیق مبرا از هر گونه تبعیض بوده است.
4. مصونیت مصاحبه شوندهگان از اولویت ها بوده است.
5. حریمیت هویت قربانیان و مصاحبه شوندهگان مد نظر بوده است.

بخش دوم

یافته های تحقیق

1. شرح قضیه های فرار از منزل:

«(ل) دختری 19 ساله را بدون رضایت او جبراً با مردی سالخورده نامزد میکنند. وی چاره ای جز فرار از منزل سراغ نداشته منزل پدر را ترک کرده و شخصی وی را رهنمائی می کند تا به کمیسیون مستقل حقوق بشر عارض شود.

بدین منظور از هر کسی مطالبه آدرس کمیسیون مستقل حقوق بشر را می کند. درین میان (ل) قربانی تجاوز جنسی توسط فردی میشود که به او وعده میدهد که او را به کمیسیون مستقل حقوق بشر رهنمائی خواهد کرد.»

«(و) 9 سال داشت که کاکایش وی را به مرد 20 ساله ای عروسی کرد (21) سال عمرش را با جار و جنجال لت و کوب سپری می کند صاحب دوپسرمی باشد، شوهرش معتاد به مواد مخدر است خشونت شوهر روز بروز زیادتر شده می رود. در اثر خشونت های خانوادگی زندگی برایش دشوارتر و تنگ تر میشود تا آنکه همراهِ دو طفل خود مجبور به ترک منزل میشود. روزی برحسب تصادف پسر خاله اش (و) را می بیند و به موظفین امنیتی وی را معرفی میکند که به جرم فرار از منزل تحت تعقیب قرار میگیرد. پولیس وی را به حوزه (8)

میرد و از آنجا به وزارت امور زنان معرفی و تسلیم میکند. دو ماه تحت حمایت این وزارت میباشد بعداً یکماه را به توقیف ولایت کابل به سر میرد. بالاخره شوهرش را می طلبند تا ضمانت بدهد و خانمش را خانه برد اما شوهر حاضر به این کار نمیشود. بر خلاف عارض میشود که خانمش با شخص دیگری ارتباط داشته و از خانه فرار کرده است که در نتیجه (و) در محکمه اول به پنج سال و در محکمه دوم به دو سال حبس محکوم می شود.»

«(ن) دختر 20 ساله ای را بدون رضا میخواستند به مرد پیری به ازدواج اجباری بدهند به منظور این عمل جاروجنجال را براه می اندازد و درمقابل همیشه مورد خشونت لفظی تحقیر و توهین اذیت لت و کوب برادر قرار میگیرد. زندگی را بالایش تنگ میسازند که حاضر به ازدواج با مرد پیر گردد. بالاخره دختر جوان چاره را بر خود حصر می بیند و از منزل فرار می کند و به کمیسیون مستقل حقوق بشر مراجعه کرده تقاضای کمک می کند. کمیسیون ویرا به وزارت امور زنان معرفی می کند که از آن طریق به خانه امن معرفی می شود.

در ضمن مصاحبه چنین یاد آور میشود که (... یقین دارم چنانکه مرا برای مرد پیر میدادند زندگی من همیشه خراب بود... فکر میکنیم در حال حاضر حد اقل از آن زندگی خراب همیشگی نجات یافته ام...)»³

«(م) دختر (8) ساله را پدرش به مردی (35) ساله ای که خانم اولش وفات کرده و از وی طفلی ندارد به نکاح میدهد مدت (17) سال را با وی با همه ناسازگاری و جارو جنجال ها میگذرانند ولی صاحب فرزندی هم نمی شود در این میان مرد میخواهد با خانم برادرش که شوهرش شهید شده ازدواج کند عواملی نارضایتی همیشگی ناشی از تفاوت فاحش سن، گرفتن زن دیگر، نداشتن

3. مصاحبه (ن) از شلتریا (خانه امن) 1384/3/2

اولاد و بالاخره خشونت و تغییر سلوک و رویه شوهر خانم را تحت فشار قرار میدهد که در اثر آن بدون عاقبت اندیشی خانم همراي پسر همسایه از منزل فرار می کند.⁴

«(م-ع-ر) سه خواهریکه مادرشان را قبلاً از دست داده بودند، پدر آنها خانمي دیگری می گیرد. و این خواهران همیشه وقت مورد لت و کوب و دشنام مادر اندر و پدر قرار میگیرند. بخاطر نجات شان راه فرار از منزل را اختیار کرده به کمیسیون مستقل حقوق بشر مراجعه می کنند و از کمیسیون به وزارت امور زنان معرفی و از آن طریق به خانه امن فرستاده میشوند.

در خلال مصاحبه چنین تذکر میدارند که (... بخاطر اینکه ما در اینجا آرام زندگی می کنیم کدام گناه را مرتکب نشده ایم صرف آنها ما را لت و کوب می کردند من و خواهرکلانم و خواهرخوردام فرار کردیم... از مادر اندر ناراضی بودیم چون دختران خود را مکتب روان میگرد ما را از مکتب کشیده بود تمام کارهاي شاقه را بالای ما انجام میداد...»⁵

«(ک) 20 ساله را خلاف رضا و رغبتش به ازدواج مرد 70 ساله می دهند. این ازدواج اجباري را بخاطري بدل با برادرش به منظور اینکه توانسته باشد دختر آن مرد پیر را به ساده گی و ارزان به عقد خود در آورد؛ انجام می دهند.

روشن است که فرداي این وصلت اجباري که بدون توجه به سن، سال و آرزوهایش بوده به بدبختي و رسوائی منجر گردیده وي همیشه مورد لت و کوب، ظلم شوهر، خانم اولي و اولادهایش قرار داشت تا آن حد ظلم پیش میروود که گاهی او را دست و پای بسته با سگ یکجا می انداختند و این حالت ساعت ها طول می کشید. این

4. مصاحبه (م) در محبس عمومی پلچرخي کابل مورخ 1384/10/29

⁵ مصاحبه با (م-ع-ر) در خانه امن ساعت 10 قبل از ظهر مورخ 1384/8/1

دختر راه چاره را در آن یافته که با پسر همسایه ارتباط گرفته و از منزل فرار کند و چند صبحی گذشته به چنگال قانون می افتد و پای میز محکمه کشانیده میشود و محکوم به سپری کردن چند سال در سلول زندان می گردد.

(ک) می گوید: (.....) رضایت ندارم که دوباره نزد شوهر 70 ساله ام برگردم، می خواهم پس از رهایی پیش مادرم بروم... کاش با سواد می بودم تا رسماً میتوانستم خود را از چنگال این پیر مرد نجات دهم. شوهرم حاضر نیست مرا طلاق بدهد...»⁶

«م دختری (20) ساله است که قبلاً پدرش را از دست داده، مادر اندر و برادرش میخواهند ویرا خلاف میلش به مرد پیری نامزد کنند و اما او رضایت نشان نمیدهد و مجادله میکند. این امر باعث خشونت مادر اندر و برادرش شده ومورد لت وکوب قرارمیگیرد.»

بفکر نجات از خشونت آنها راه فرار از منزل را در پیش گرفته به کمیسیون مستقل حقوق بشر مراجعه میکند. کمیسیون او رابه وزارت امور زنان معرفی کرده و آن وزارت غرض حمایت قانونی، وی را به خانه امن میفرستد. (م) در مورد برگشت دوباره خود به فامیل بسیار نگران است و می اندیشد که برگشت او به خانواده با خطر مرگ همراه خواهد بود.»⁷

« (خ) دختر 13 ساله یکه در اثر ازدواج اجباری در عقد نکاح مردی در آورده می شود صاحب چهار فرزند و حامله می باشد که شوهر برایش طلاق عرفی میدهد. پسر 9 ساله اش از اثر خشونت های فامیلی نزد مامااش زندگی می کند. خانم به اعتبار اینکه طلاق شده بعد

⁶ مصاحبه (ک) از محبس عمومی پلچرخ کابل ساعت 9:30 قبل از ظهر مورخ 1384/8/7

⁷ مصاحبه (م) در خانه امن بتاریخ 1384/8/1

از وضع حمل با مرد دیگری ازدواج می‌کند. شوهر اولی بعد از اطلاع ازدواج خانمش با مرد دیگر بالای خانمش ادعای فرار از منزل می‌کند. (خ) فعلا با چهار طفلش در زندان به سر می‌برد.⁸

« دختری 12 ساله که از آوان تولد به دلیلی اینکه چرا دختر است همیشه مورد لت و کوب و خشونت پدر قرار دارد. آنزمان که این دختر فقط 12 سال دارد پدرش تصمیم می‌گیرد که او را به مرد 45 ساله که دارای زن و اطفال است به ازدواج بدهد. دختر به اثر تشویق پدر خاله اش از منزل فرار می‌کند و به وسیله یک فرد خیر خواه به پولیس و از آنجا به وزارت امور زنان رهنمایی می‌شود. خانواده دختر که در اثر اعلان تلویزیونی از آدرسش با خبر میشوند با دادن ضمانت دختر را دوباره تسلیم می‌شوند. اما فردای همانروز دختر به وسیله پدرش به قتل میرسد؛ که بعد آ قتل را مرگ طبیعی وانمود می‌کنند.»

«دختر 12 ساله که به سن 4 سالگی بعد از فوت پدرش و ازدواج مجدد مادرش، با پسر 30 ساله همسایه عروسی می‌گردد؛ سال های متمادی را با ظلم و خشونت سپری می‌کند و بعد از آنکه یک روز به طور وحشتناک مورد لت و کوب خسر قرار می‌گیرد با دست و پای شکسته فرار می‌کند. یک ریکشا وان او را به شفاخانه می‌برد، از آنجا به پرورشگاه انتقال می‌یابد. آثار شکنجه بر جسم کودک هنوز بعد از گذشت یک سال از فرارش برجاست. این دخترک هنوز هم در هراس از برگشت دوباره به آن خانه است.»

⁸ مصاحبه خ در محبس عمومی پلچرخي کابل مورخ 1384/8/7

«م- دختری 15 ساله با مردی که معتاد به مخدرات و مسکرات بوده ازدواج میکند. اما دوام زندگی با وجود داشتن شش طفل شامل دختر و پسر هرروز ناگوarter میگردد تا جائیکه زن به تکرار مورد لت و کوب و حتی سوختاندن پوست بدن با سگرت مورد اذیت شوهر قرار میگیرد. زن در نهایت بیچارگی تصمیم میگیرد که خود و اطفالش را از چنگال مردی که اعتیاد به مواد مخدر و الکول او را تا سرحد جنون کشانیده نجات داده و به منظور فرار از منزل و پناه بردن به خانه خواهرش راه پاکستان را در پیش میگیرد اما عین سوار شدن به موتر طفل بزرگترش که 9 سال دارد به بهانه نوشیدن آب از مادر فاصله گرفته و قضیه را تلفونی به اطلاع کاکایش میرساند در عین حال پولیس محل از جریان آگاه شده و دست به کار می شود. در نهایت امر این زن راهی زندان میگردد.»⁹

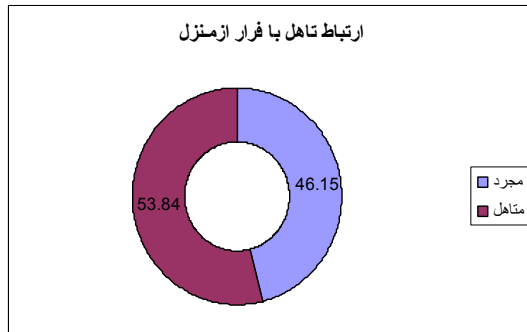
«ن دختری (17) ساله یکه پدرش بدون رضایتش وی را در مقابل پول هنگفت به مردی نکاح می کند پس از سپری شدن سه سال پدر دختر از متعذر بودن دامادش آگاهی می یابد. تصمیم به ازدواج دومی دخترش بدون در نظر داشت اصل شرعی و قانونی میگیرد و دخترش را خود سرانه به منزل می آورد. بدون آنکه موضوع را بصورت رسمی از طریق محکمه بمنظور تفریق به سبب ضرر بنابر معذور بودن شوهرش خلاص کند زن در قید نکاح شوهر اولی قرار دارد بازهم بدون رضایت، دختر را بار دوم بالای مرد دیگری در بدل پول گزاف می فروشد.

⁹ مصاحبه خانم (م) ساعت 9:30 قبل از ظهر توقیف انائیه ولایت کابل مورخ 1384/8/9

خسر دختر پس از اطلاع موضوع بنام فرار از منزل بالاي دختر عارض مي شود. زن که محروم از سواد و در عدم آگاهی از حق شرعي و قانوني خود و در قيد اسارت پدر سالاري بسر مي برد بنابر اغراض شخصي و پول خواهي پدر در کنج زندان بسر ميبرد.¹⁰

2. ارقام و معلومات در مورد قضايای فرار از منزل:

الف: گراف شماره (2) نشاندهنده رابطه تاهل به

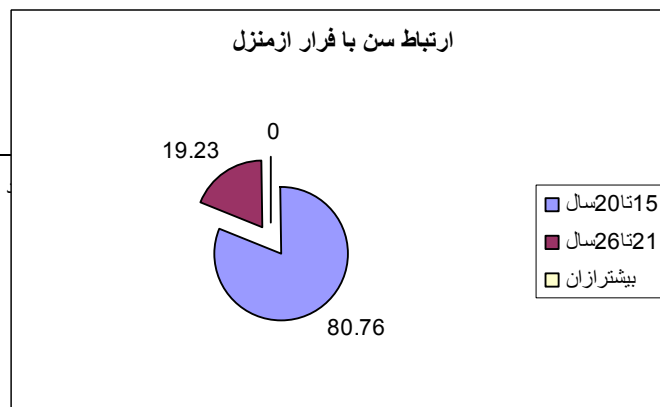


قضايای فرار از منزل است.

گراف نشان مي دهد که اکثر ازفراري ها متاهل بوده اند و اين موضوع مي رساند که فشاري که

ازطرف خانواده شوهربالاي اين عده ازخانها تحميل مي شود بيشتر از خانواده پدري شان مي باشد.

ب: گراف شماره 3 ارتباط سن را به فرار از منزل نشان مي دهد.

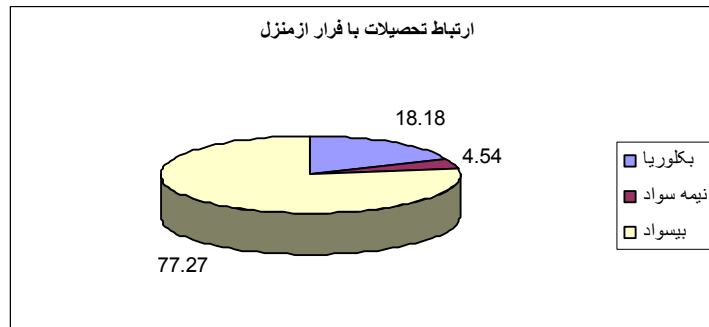


ده بجه قبل

10 مصاحبه (از ظهر

گراف نشان مي دهد که بیشتر فراري ها در سنين جواني ونوجواني به اين عمل دست زده اند که اين موضوع بر بي تجربگي انها زياد تراشاره مي کند.

ج: گراف شماره 4 ارتباط بين تحصيلات و فرار از منزل را نشان مي دهد.

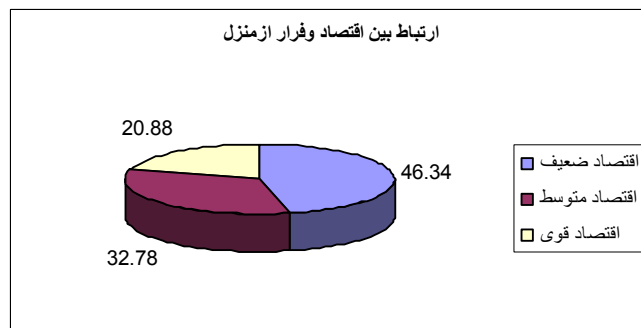


نشان
دهد که

گراف
مي

اکثریت قابل ملاحظه اي از فراريان از نعمت تعليم و تحصيل بي بهره بوده اند. صرف 4% انها الي صنف 12 درس خوانده اند. که اين موضوع بر اهميت کسب علم و معرفت تاکيد بیشتر دارد.

د: گراف شماره 5 ارائه کننده رابطه بين اقتصاد و فرار از منزل است.



گراف نشان می دهد که اکثریت مرتکبین فرار از منزل از اقتصاد ضعیف و شماری اندکی از آنها از اقتصاد قوی برخوردار بوده اند. که این امر واضح میسا زد که اقتصاد ضعیف نیز در پهلوی سایر عوامل زمینه اسیب پذیری مرتکبین این عمل را فراهم می کند.

3. شرح خاطرات زندانبانان و مسولین مراکز نگهداری متهمین فرار از منزل:

مصاحبه با یکی از زندانبانان توقیف خانه کابل: «یک عده از خانمها در توقیف خانه بسرمی برزنده که تحت عنوان فرار از منزل زندانی شده اند اما این عده از خانمها نظریه سایر زندانیان دارای حسن سلوک هستند و اما مشکلات شان بیشتر از سایرین است زیرا اکثرشان دارای پایواز نیستند.»

مصاحبه با یکی از مسولین خانه امن: «خانمهای که به اثرخسونهای خانواده گی فرار کرده اند و به اینجا پناه آورده اند همیشه غمگین دیده می شوند و نگرانی آنها اکثرانشی از تشویش از آینده است.»

مصاحبه با یکی از مسولین حقوق بشر: «در هنگام نظارت از زندانها به خانمهای برخوردیم که تحت عنوان فرار از منزل زندانی شده اند این خانمها

واقعاً مشکلات فراواني داشتند زیرا دوسیه ها ي انها تحت عناوين ديگري از قبيل زنا وغيره مورد پي گرده دي وقضايي قرار مي گيرد.»

مصاحبه با وزارت امور زنان:
«واقعاً متهمين فرار از منزل مشکلات فراواني دارند زیرا انها مجبور اند خود را در مقابل مراجع عدلي وقضايي بي گناه ثابت کنند همچنان مشکلات خانوادگي خویش را نیز حل کنند.»

4. عوامل اساسي فرار از منزل:

چنانچه در شرح قصه هاي قربانيان فرار از منزل خوانديم عوامل مختلف در فرار آنان از منزل زيدهل بوده است. اينک عمده ترين اين عوامل را به بررسي ميگيريم:

- نامزدي اجباري:

از نظر قانون نامزدي عبارت از وعده به ازدواج مي باشد و به وسيله خواستگاري مرد از زنیکه در عقد نکاح ديگري نباشد صورت ميگيرد و با قبول درخواست از طرف دختر ويا زن موافقت صورت ميگيرد. اين موضوع در ماده 64 قانون مدني چنين تذکار یافته است:

(نامزدي عبارت از وعده به ازدواج است. هر يک از طرفين ميتوانند از آن منصرف شوند)¹¹ قانون به طرفين (زن و مرد) حق داده است تا در جريان نامزدي از اين وعده انصراف بعمل آورند به همين اساس حق امتناع به هر يک از طرفين باقي بوده و طرف ديگر نمي تواند وي را مجبور به ازدواج کند.

اما در مغايرت با احکام صريح قوانين اکثريت نامزدي ها در افغانستان به صورت اجبار بالاي دختران

11 قانون مدني (کابل، وزارت عدليه : 1355) ماده 64

و در بعضی حالات بالای پسران نیز تخمیل میشود. والدین بدون در نظر داشت منافع و مصالح علیای فرزندان شان آنها را به نامزدی به فردی که در بسیاری حالات تفاوت های فاحش از نظر سن، موقف اجتماعی، تحصیلات... بین شان موجود میباشد نامزد میکنند.

این مسله منتج بدان می گردد که دختران عمری را در نارضایتی به سر برده بلاخره دست به طغیان بزنند و در جهت ابراز ضدیت با چنین سرنوشتی که خود در آن تصمیم نقش نداشته اند دست به فرار از منزل بزنند.

- ازدواج های اجباری:

ازدواج یک عقد مدنی ومذهبی است و هر عقد متضمن توافق و اراده طرفین بوده و دارای شکلیات، ارکان و شرایط خاصی است. از جانی هم هر عقد از خود اثرات و نتایج دارد.

ازدواج به مفهوم ابراز رضایت و توافق اراده زن و مرد به اختیار همسری و قبول زوجیت جهت تشکیل زندگی مشترک خانوادگی است.

از جمله ارکان اساسی عقد ازدواج ایجاب و قبول است که دلالت بر توافق کامل اراده زن و مرد به تشکیل زندگی مشترک میکند؛ تحقق این امر برای هر دو طرف عقد ازدواج یعنی مرد و زن یکسان و مساوی است.

ماده (66) قانون مدنی افغانستان در این مورد چنین صراحت دارد :

«عقد ازدواج با ایجاب و قبول صریح که فوریت و استمرار را افاده کند بدون قید وقت در مجلس واحد صورت می گیرد.»¹²
بر علاوه در رابطه به عقد ازدواج اسلام شرط گذاشته که زن و مردیکه عاقل و بالغ و رشید باشند میتوانند عقد ازدواج را منعقد کنند. با این تفاوت که اگر زن بیوه است خود دارای اختیار کامل بوده و

13 قانون مدنی، جلد اول (کابل: وزارت عدلیه، کابل سال 1355) ماده 66

اگر دختر است ایجاب مینماید تا اجازه پدر نیز در مورد اخذ گردد.

ولي باید به خاطر داشت که این بدان معنایست که پدر میتواند منحيث اختیار دار مطلق العنان بدون در نظر داشت ميل و رضایت دخترش به هر کسی که دلش میخواهد او را به نکاح دهد بلکه ضرور است تا رضایت دختر حاصل شود. و هر گاه پدر یاجد منحيث ولي بدون موجب مانع نکاح دختر تحت ولایت خود شوند ومصلحت و منفعت شخصی خود را در برابر مصالح علیای دختربرتری دهند؛ حق شان ساقط می شود.¹³

در این رابطه قانون مدنی افغانستان نیز ازدواج صغیر ممیز بین سن 15 الي 16 سال را مشروط بر رضایت پدر صحیح التصرف یا محکمه با صلاحیت و عقد نکاح صغیر کمتر از 15 سال را به هیچ وجه جواز نمیدهد.¹⁴ اعمال هر نوع فشار و جبر در مورد خلاف آیین عقد است.

- اختلاف سن زوجین:

در دین مقدس اسلام بر کفو¹⁵ بودن زوجین در عقد ازدواج صراحت و هدایت موجود است که شامل حال برابری سن نیز میشود.

بر علاوه از نگاه اجتماعی هم در تمامی معاملات و قرار دادها چنانکه برابری میان دو طرف موجود می باشد، کمتر مناقشه و تخطی در آن به ظهور میرسد. تجربه نشان داده است که بسیاری اوقات زنان و مردانی که با همسرشان اختلاف فاحش سن داشته اند اکثراً از معرفی خود یا همسرشان در محافل و مجالس احساس شرم و خجالت زده گي کرده و حتی برای آنکه به چنین عملی مواجه نشوند کمتر در کنار هم جلو سایرین ظاهر شده اند.

14 محمد اشرف رسولي: ازدواج یا پیمان مقدس: (پشاور: بازار قصه خوانی، 1376) ص 125-126

15 قانون مدنی، جلد اول باب تمهیدی مواد (71 و 80)

16 کفایت در لغت مساوات، مثل ونظیر را گویند و در اصطلاح مساوات شوهر است بازن در امور خاص که عبارت از نسب، اسلام، حریت، دیانت، کسب، مال و دولت.

اما با تاسف چنانچه مثال های بالا را مرور مینماییم میبینیم که اکثریت قضایای فرار از منزل ناشی از ازدواج های طفولیت است که در آن تفاوت فاحش سن بین دو طرف موجود است. این امر خود باعث نارضایتی دختران شده و با استفاده از کوچکترین موقع به فرار از منزل دست میزنند.

- فرار ناشی از خشونت:

معمول ترین نوع خشونت ها نزد زنان و کودکان، خشونت های خانوادگی است که از الفاظ رکیک بد و دشنام، لت و کوب شروع تا به سرحد جرح و قتل ادامه پیدا می کند.

زنان و کودکان قشر آسیب پذیر اند یعنی که در برابر خشونت ها و ناملایمات مقاومت کمتر از مردان دارند بناً در صورت تداوم خشونت زمانی که احساس کنند که این امر لاعلاج شده است خود در پی یافتن چاره می برآیند.

گروهی بخاطر حفظ حیثیت و آبروی خود و خانواده و جلوگیری از شایعات دست به خودسوزی ها و خودکشی ها می زنند و گروه دیگر به این رسم پشت پازده و طریق ترک منزل را در پیش می گیرند به فکر آنکه مگر دوری از خانه و کاشانه بتواند مدت زمانی یا به شکل دائمی، آنها را دور از خشونت نگهدارد و هم طرف مقابل را متوجه اشتباه شان بگرداند. که با تاسف در کمتر خانواده ها چنین می شود. شوهر و فامیل هاجبای بیان حقیقت و قبول ملامتی دست به شایعه پراگنی میزنند و برای برائت خود و ملامت نمودن زن معمولاً از حربه فساد اخلاق استفاده مینمایند. از آنجاییکه در جامعه اسلامی افغانستان فساد اخلاق از جمله منفورترین اعمال به حساب میآید و از جانی هم اثبات بیگناهی درینمورد بیشتر مشکل است؛ زنی که در جستجوی رهایی و عدالت از منزل فرار کرده است

قربانی اتهامات مذکور میشود. این حالت خود راه برگشت مسامت آمیز و با حیثیت دختر و زن فراری را می بندند

البته این خشونت ها نه تنها در زندگی زنان متأهل وجود دارد که موارد زیاد آن در زندگی دختران نیز دیده میشود. تبعیض در برابر فرزند دختر و پسر از جمله خشونت های است که کماکان به صفت یک عقده در وجود طفل پرورنده میشود و این عقده بعداً یا به وسیله فرار از منزل، رو آوردن به فساد اخلاق و یا هم به وسیله خودکشی بروز میکند.

- ازدواج های بدلي:

یک نوع معمول از رسم ها و عنعنات ناپسند در کشور ما به نام ازدواج های بدلي شناخته شده است. در ازدواج های بدلي زن بدل زن قرار میگیرد و معمولاً خانواده ها به خاطر جلوگیری از پرداخت طویانه و سایر مصارف گزاف به این عمل مبادرت میورزند. درین نوع ازدواج ها رضایت به صورت قطع مورد نظر نبوده به همین دلیل یکی از انواع ازدواج های اجباري محسوب میشود. ازدواج های بدلي کسر به مقام والا انسانی زن و دختر شناخته شده است زیرا درین نوع ازدواج ها زنان به مثابه متاع و مال معامله میشوند.

شمار این نوع ازدواج ها اندک نبوده و بر علاوه اثرات منفي در قبال این نوع ازدواج ها همیشه موجود بوده است. چنانچه یکی از قضایای ذکر شده در فوق در رابطه به فرار از منزل به همین موضوع اشاره میکند؛ که در اثر این عمل دختر قربانی مجبور به تحکیم روابط با پسر همسایه شده فرار میکند و عاقبت به زندان میرسد.

ماده (69)¹⁶ قانون مدني افغانستان به صراحت ازدواج بدل را ممنوع اعلام ميکند (در عقد ازدواج زن، بدل زن ديگر قرارنگرفته و براي هر يك از زوجه ها مهر مثل لازم مي گردد.) با عمق نظر براي ماده چنين روشن ميشود که بدل در تضاد با شرعيت و با قانون قرار داشته و هيچ عقدي در بدل عقد ديگر معامله نشده هر يك بذات خود مستقل مي باشد.

- فرار ناشي از (بد) دادن :

قانون جزاي افغانستان بد دادن را به حيث عمل جرمي مستوجب سه سال حبس شناخته است.¹⁷ اما در عمل بد دادن به حيث يکي از عنعنات بسيار عام بيشترين مورد استفاده در افغانستان رادارا مي باشد. در اين عنعنه بخاطر فروکش کردن منازعه و جلوگیری از قصاص و دعوي و بالاخره قتل و قتال بيشتر، دختران به هر سن وسالي که باشد از خانواده متخلف به خانواده متضرر ظاهرا به منظور وصلت و عروسي داده ميشود. براي وضاحت بيشتر توجه شما را به يک تعداد از ماثا لها که از گزارش تحقيقي «بدمسکن درد آور» گرفته شده جلب مي کنيم.

«(ج) دختری 18 ساله است که به خاطر نزاع برادرش با يکي از اهالي قريه بالاي نوبت آب که منتج به کشته شدن فرد مذکور مي شود به برادر مقتول به بد داده مي شود. در اثر برخورد عقده آميز اعضاي خانواده و رفتار نادرست آنها؛ (ج) ازخانه فرار کرده و دستخوش مشکلات فراوان شده بالاخره به مجنزار فساد اخلاقي کشانیده مي شود.»¹⁸

16 قانون مدني جلد اول باب تمهدي ماده (69)

17. قانون جزا ، (کابل: وزارت عدليه ، 1355) فقرة 2 ماده 517

18. بدمسکن درد آور ، ، (کابل: نهاد تحقيقاتي حقوق زنان و اطفال ، 1383)ص 26

«دختری به خاطر عدم رضایت از نامزادی اش با کسی دیگر فرار می کند و خانواده پسر(نامزاد) خواهر 10 ساله دختر فراری را از طریق عنعنه بد از طریق فیصله جرگه دریافت می کنند.»¹⁹

«(ف) خانم 22 ساله است که ما اوراد رمنزلش دریکی از نواحی شهر کابل ملاقات کردیم؛ این خانم که 7 سال از عروسی اش می گذرد به سن 11 سالگی به دلیل اینکه برادرش با دختری طرح دوستی ریخت و به اثر مخالفت خانواده ها به عروسی شان با دختر فرار کرده به خانواده (خانم برادرش) به بد داده شده است.»²⁰

از همین جا میتوان شیرازه نابسامان زندگی آن زن را که پیامد یک معامله است پیشبینی کرد و حتی پنداشت که اولادهائیکه از چنین زنی بدنیا می آیند با چه سرنوشت و حالت روحی و روانی روبرو خواهند بود. همینجاست که یکی از راه های حل فرار راه قربانیان عنعنه بد فرار از منزل قرار میگیرد و با ارتکاب این عمل ضدیت خود را نه تنها در قبال عنعنه بد دادن بلکه در قبال خشونت های که بر آنها تحمیل میشود؛ تبارز میدهند.

5. فرار از منزل و مسئله طلاق لفظی:

بر علاوه میبینیم که در بعضی موارد فرار از منزل در حالتی به میان آمده است که خانم به وسیله شوهر به صورت لفظی طلاق داده شده است و خانم به تصور اینکه او طلاق داده شده است از منزل بیرون میشود که بعداً به اثر ادعای همان شوهری که او را به طور لفظی طلاق داده به اتهام فرار از منزل به زندان میرود.

19. همان اثر، ص 23

20. همان اثر، ص 20

در رابطه به طلاق قانون مدني افغانستان در مواد 139 بيان ميکند « (1) زوج ميتواند به صورت شفوي و يا تحريري زوجه اش را طلاق نمايد. هرگاه زوج فاقد اين دو وسيله باشد، طلاق به اشارات معموله که صراحتاً معني طلاق را افاده نمايد، صورت گرفته ميتواند. (2) طلاق به الفاظ صريحي که در عرف معني طلاق را افاده ميکند بدون نيت واقع ميشود.»

آنچه درين بخش ميخواهيم به آن اشاره کنيم اينست که به دليل اينکه طلاق شفاهي و حتي اشاري در قوانين ما به رسميت شناخته شده است؛ اثبات اين امر که آيا زن از منزل فرار کرده است و يا بر اساس طلاق لفظي از خانه خارج شده بسيار مشکل و در بعضي حالات غير ممکن به نظر ميرسد. که در نتيجه خانم يا به جرم فرار از منزل و يا به اتهام جرايم اخلاقي به محاکمه کشانده ميشود.

به عنوان نتيجه گيري از اين مبحث بايد تذکر داد که زنان و دختران آنچنان که گفته آمدیم در اثر فشار هاي فراوان رواني و فزيکي تصميم به فرار از منزل ميگيرند؛ اما آنچه قابل توجه است اينکه اين دسته از زنان فقط و فقط به خاطر رهايي از وضعيت غير قابل تحمل دست به اين کار ميزنند که در آن عمدتاً و بدون شک آنان از عواقب عملي که انجام ميدهند به دلايل متعدد آگاهي ندارند:

اولتر از همه اينکه بر اساس نتايج اين تحقيق عده زيادي از آناني که دست به فرار از منزل زده اند از نعمت سواد بي بهره بوده اند که به همين دليل طبيعي است که از عواقب عملي که انجام داده اند آگاهي ندارند. آنهايي که درين تحقيق با ايشان مصاحبه صورت گرفت و حتي آنانيکه به همکاري مرددي دست به فرار زده بودند نميدانستند که اين عمل آنها جرم است و يا به عباره ديگر نميدانستند که مجازات عمل شان چي خواهد بود.

به همین ترتیب از نظر روانی هرگاه حالت زن و یا دختری را که از اثر فشار های غیر قابل تحمل تصمیم به فرار گرفته است بررسی کنیم میبینیم که برای زنان و دختران که دلبستگی به خانه و اموال خانه از موضوعات بدیهی به شمار میآید و آنها حاضر میشوند به آنهمه پشت پا زده و دست خالی به جاده به بیرون از خانه براینند؛ به آن جاده که در آن، آنها را هرگونه خطر به شمول تجاوز جنسی تهدید میکند؛ این خود نشان میدهد که آنها در زمان تصمیم گیری استقرار فکری درست نداشته اند.

اضافتاً رایج بودن طلاق های لفظی نیز به نوبه خود موقعیت زنان را بیشتر آسیب پذیر ساخته است.

6. عوامل کمک کننده ضمنی در وقوع حوادث فرار از منزل:

بر علاوه آنچه در فوق از آن به عنوان عوامل اساسی فرار از منزل تذکر به عمل آمد؛ عوامل ضمنی دیگری هم موجود است که الزاماً به یک فرد و یا خانواده تعلق نداشته بلکه در برگزیده ساختار ها و شکلیات فرا تر از محدوده خانواده ها میگردد. این عوامل که عمدتاً با عث بروز خشونت ها در برابر زنان شده و در اثر این خشونت ها در بعضی حالات زنان دست به فرار از منزل میزنند بیشتر ترکیبی از خصوصیات و اصول اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میباشد. این عوامل ضمنی گاهی به دلیل عدم توجه مقامات مسوول و گاهی هم در اثر بافت های معین عنعنوی به میان آمده است. ما در اینجا عمده ترین این عوامل ضمنی را به بررسی میگیریم:

- اصول و ساختار های اجتماعی:

به صورت کلی اصل ها میتوانند دارای منشا ظهور باشند و هم میتوانند نباشند. اصل ها میتوانند در گذشت زمان ارزش های متغیر داشته باشند؛ ارزش های

جدید کسب کنند و یا هم منشا ظهور شان را از دست بدهند. بر علاوه یک عملی که گاهی بر اساس ضرورت انجام شده است میتواند به سرعت به یک اصل تبدیل شود. حد اقل دو دلیل عمده برای بقای یک اصل در اجتماع وجود دارد؛ یکی اینکه مردم از طریق آموزش ها و آگاهی های اجتماعی به آن اصل خو گرفته و حاضر به ترک آن نیستند، دوم حتی اگر افرادی علاقمندی به ادامه تطبیق آن اصل ندارند بر اساس فشار های اجتماعی قادر به ترک آن نیستند.

عنعنات و رسوم نیز به مثابه قوانین آهنین برای سالیان متمادی به وسیله عده کثیری از افراد عملی میشود و آهسته آهسته به اصول و یا نورم های اجتماعی تبدیل میشوند. در اکثریت جوامع این نوع اصول نوشته شده نمیشد ولی زمانی که از آن سر باز زده میشود به بسیار وضاحت قابل شناخت میگردند. زیرا این اصول علی الرغم نا نوشته بودنشان حدود درست و نادرست را برای مردم مشخص میکنند. در افغانستان مانند اکثر جوامع اصول و نورم های اجتماعی وجود دارند که حضور زنان و حقوق آنان را تحت شعاع قرار داده اند؛ نورم ها برای ازدواج، برای تعیین نقش زن و مرد در اجتماع و در خانواده و امثال آن از جمله محسوب میگردند. طور مثال بیرون بودن مردان از خانه هیچ نوع حساسیت را تحریک نمیکند اما بیرون شدن زن از منزل همیشه باید با یک استدلال که بیرون رفتن او را تبرئه کند همراه باشد. ننگ و غیرت همچنان یکی از این اصل ها را تشکیل میدهد که مردان در افغانستان به مثابه مسولین حفظ عزت و غیرت خانواده شناخته شده اند.

نقش عنعنوی مردان در اجتماعات افغانستان که در بر گیرنده برخورد تبعیض آمیز و با دید محدود تر در مقابل زنان است به نوبه خود محدودیت های را برای

زنان به بار آورده است. این محدودیت ها به خودی خود میتواند باعث بروز خشونت ها شده و منجر به فرار زنان از این محیط میشود.

به همین جهت برخورد با قضایای فرار از منزل از زوایه همان طرز دیدی که از اصول اجتماعی منشا میگیرد باعث میگردد که حتی آنانیکه در پی ارتکاب چنین عملی پای داوری می نشینند، بیشتر زیر تاثیر یک جهت قضیه که همانا فرار یک زن و یا یک دختر باعث لطمه به حیثیت خانواده شده و گویا زن و دختری از فرمان سرکشی کرده است، قرار می گیرند، بنا نمیتوانند عادلانه داوری کنند و طرف ظالم برائت می گیرد و بدین ترتیب عدالت حاکم نمیشود بلکه بر بی عدالتی مهر تایید گذاشته می شود.

تعلیم و تربیه:

اهمیت تعلیم و تربیه د ر بهبود زندگی انسان ها و به خصوص بهبود وضعیت زنان از واقعیت های مسلم و غیر قابل انکار به شمار میآید. نخستین هدایت پروردگار به پیامبر واپسین تعلیم و تعلم است که در پرتو آن آدمی با بصیرت و دانایی گام بر میدارد و هر کاری را با تعقل به پیش می برد.

حدیث مبارک رسول اکرم (ص) «طلب علم یا آموختن علم بر هر مرد مسلمان و زن مسلمان فریضه است» به صراحت ما را به اهمیت مسأله متوجه میکند. چنانچه دسترسی به تعلیم تربیه میتواند در رشد توانایی های انسان موثر واقع شده و او را بیشتر به طرف تعقل رهنمائی کند.

با اینکه تعلیم و تربیه به تنهایی و به حیث یگانه وسیله نمیتواند در وضعیت زنان تغییری را به وجود آورد اما به عنوان یکی از وسایل موثر میتواند در ایجاد تغییرات بنیادی نقش اساسی را بازی کند. گنجاندن موضوعات در رابطه به جلوگیری از

خشونت در برابر زنان در نصاب درسي مكاتب نیز میتواند در تغيير سلوك و روش نسل جديد در رابطه به نقش زن و مرد مفيد باشد. بر علاوه تعليم و تربيه به دختران كمك ميکند تا با دسترسي به امکانات اشتغال از وابستگي اقتصادي به مردان رهايي يابند. چنانچه مواد 28 و 29 کنوانسيون حقوق طفل به صراحت در رابطه به تضمين دسترسي اطفال به حق تعليم و تربيه با توجه به تعليم و تربيه کيفي که به رشد شخصيت طفل موثر باشد تاکيد کرده است.

با وجود اينکه در سال هاي اخير ارقام شموليت اطفال دختر به مكاتب رو به رشد است اما در کنار آن ارقام عدم تداوم مکتب بعد از دوره ابتدایي براي اطفال دختر نیز از واقعيت هاي غير قابل انکار است. اين دختران که اکثراً به دليل ازدواج هاي طفوليت، غربت، فشار امور منزل، راه دور مكاتب از خانه هایشان، مصارف مکتب و فقدان فضاي مناسب تعليمي از مکتب باز ميمانند؛ از قرباني هاي اساسي خشونت محسوب ميشوند که در نتيجه آنها را به فرار از منزل و يا به خودکشي سوق ميدهد.

به همین ترتيب اثرات منفي بيسوادي والدين که در نتيجه قادر به درک درست احکام اسلام و قوانين نيستند؛ نیز در گسترش قضايای خشونت بار در برابر زنان نقش بازي ميکند. که در نتيجه بازهم زنان و دختران به مثابه قرباني هاي اصلي در اجبار دست به فرار از منزل ميزنند و يا به خودکشي متوصل ميشوند.

- عوامل اقتصادي:

محور اساسي زنده گي بشراقتصاد است وساير عرصه هاي حيات اجتماعي از آن اثر پذير اند. نقش اقتصاد نه تنها در رشد مادي يك جامعه بلکه در رشد معنوي آن نیز برازنده میباشد. زیرا با داشتن اقتصاد قوي

جوامع قادر میشوند تا به امکانات بیشتر برای زندگی دسترسی پیدا کنند، علم بیاموزند مشکلات اساسی زندگی خویش را با استفاده از آن مرفوع کنند.

گرچه در رابطه به خشونت علیه زنان اقتصاد به صورت کل عامل اساسی نباشد زیرا زنان در کشور های بسیار متمول جهان نیز قربانی خشونت ها میگردند؛ اما در این میان استقلال اقتصادی زنان که چیزی مجزا از توانمندی اقتصادی بشری است از اهمیت به سزا برخوردار است. در تمام جهان به شمول افغانستان زنان بیشترین تعداد مردم غریب را تشکیل میدهند و غربت آنها متداوم تر از مردان است. غربت میتواند عامل و هم نتیجه خشونت در برابر زنان باشد. زنان متعلق به تمامی ساختار های اجتماعی در خطر تجاوز و خشونت قرار دارند. عدم استقلال اقتصادی، محرومیت از حق ملکیت و محرومیت از دسترسی به سر پناه، ترس از دست دادن سرپرست و اطفال باعث میشود که بیشتر زنان فضایی خشونت بار را متحمل شوند و به دنبال عدالت قضایی نروند.

با اینکه سهمگیری زنان در اقتصاد مبرم و پر اهمیت است اما به خاطر اینکه سهم اقتصادی زنان و ارزش اقتصادی آنها حساب نمیشود؛ زنان مرتباً خود را در موقف پایینتر از مردان مییابند؛ جایکه مردان میتوانند بر آنها حاکم باشند. زیرا کار های زنان بدون پرداخت مزد باقی میماند. و تقاضای فراوان برای کار بدون پرداخت زنان یعنی کار در محیط خانه باعث میگردد که آنها فرصت های رشد قابلیت شان را برای کار با مزد از دست بدهند.

چنانچه اکثریت قریب به اتفاق وقایع فرار از منزل که به وسیله این گزارش بررسی شده است متعلق به

زناني است که از نظر اقتصادي توانمند نيستند. اگر زندگي زنان افغان به دقت دیده شود درميابيم که آنها بيشترين کار و فعاليت اقتصادي را براي حرکت چرخ خانواده انجام ميدهند اما تمام اين فعاليت هاي شان در زمره کار هاي بدون مزد باقي ميمانند. از اين جهت آنها در حالات مختلف تشریح شده در اين گزارش آسيب پذير شده از سوي پدر و برادر در بدل پول معامله شده اند که منشا اساسي مشکلات بعدي شان را نيز همين موضوع تشکيل داده است و در فقدان داشتن ارزش اقتصادي اين زنان در ميان خانواده هاي شان بيشتر به حيث موجودات مصرف کننده (به مقايسه با برادرانشان) به حساب ميآيند که در نتيجه نميتوانند در تعيين سرنوشت خود نقش اساسي داشته باشند.

- عامل خانواده

«واژه خانواده «تداعي کننده ، احساس امنيت واطمينان است وخانه سرپناهي خصوصي دربرابر فشارها ومشکلات دنياي خارجي ومكاني است که اعضاي آن بتوانند در آرامش وامنيت کامل زندگي مسالمت آميزي با يکديگر داشته باشند. خانواده به منزله قرارگاه وحمایت گاهي است که برقراري تساوي شخصيت انسان را برعهده دارد. مهمترين وارزشمند ترين نقش خانواده، تامين محبت واقعي وعميق بين اعضاي آنست زندگي خانواده براي افراد بالغ اهميت طلايي دارد، ممکن اهميت آن براي دختران و زنان بيشتر است.

به هر حال نقش خانواده و والدين در تمام مراحل رشد شخصيت انسان اهميت زيادي دارد، زيرا محيط خانوادگي يا محيط معادل آن مزرعه اي است که در آن

همه عواملی که اجتماعی شدن فرد را میسر می سازد پرورش می یابد.

یکی از مهمترین دلایل گریز دختران و زنان جوان از خانه پدری یا خانه همسر میکانیزم های کنترل یا سیستمهای فشار است که از سوی خانواده سنتی و جامعه سنتی بر افراد خانواده تحمیل می شود. رفتار های کنترل کننده معمولاً بدون توضیح و قانع کردن تنها روشهایی را به فردناسازگار تحمیل می کند، به همسری که تحت فشار است یا به مردی که به زور به عنوان همسر به او تحمیل کرده اند علاقه ندارد. چنین شخصی نسبت به آینده احساس نا امنی می کند، چراکه به اجبار به وی می قبولانند که باید وضع را تحمل کند و زندگی را ادامه دهد. در این موارد همسریا دختر مجبور است فشار را بپذیرد و در همان حال احساس ناتوانی می کند، زیرا به صورت مداوم مورد بی احترامی قرار می گیرد. در این حال برای اوراهی جز گریز از محدوده جغرافیایی کنترل اجتماعی نمی ماند، بنا بر این تلاش می کند از هرکسی که می شناسد فاصله بگیرد و در محیط دیگر سرنوشت خود را بجوید.

چنانچه تحقیقات ما نشان می دهد خانواده یکی از عناصر مهم در پدیده فرار از منزل می باشد. زیرا تقریباً 35% مفرورین بنا بر فقدان والدین و یا فشار شوهر منزل را ترک کرده اند.

- عرف و عنعنه:

عنعه عبارت از یک عمل و تمرینی است که از زمانی که در خاطرات ما است تطبیق شده ولی به وسیله قانون معرفی نشده باشد و تنها به وسیله استمرار استفاده از آن قدرت تطبیقی پیدا کرده باشد. البته عده از این عنعنات در ساختار عنعنات پسندیده در قوانین نیز امکان انعکاس را دارا میباشند. به عباره دیگر عنعنات و رسم و رواج ها در طبیعت یک منطقه وجود

دارند و به واسطه استمرار استفاده از آن توسط اعضای جامعه قوت بیشتر پیدا میکنند. این عنعنات تمام جهات زندگی افراد همان اجتماع را به شمول جهات مذهبی، معنوی قانونی و غیره احتوا میکند. اصول و اساسات ایجاد شده بر مبنای همین عنعنات روابط افراد را با یکدیگر تعریف میکند. به همین منظور عنعنات در تنظیم زندگی اجتماعات نقش مهمی دارند.

عده‌ی بی از عنعنات و رسوم زنان را در موقعیت آسیب‌پذیری و نا برابری قرار میدهند؛ به گونه‌ی مثال تعدادی از این عنعنات برای زنان اختیار و حق بسیار کمی در رابطه به مسایل مربوط به حق ازدواج، استفاده از ملکیت و غیره قایل میشوند و در بعضی حالات این حق را کاملاً سلب میکنند.

طور مثال عنعنات مربوط به ازدواج برای شوهر یا مرد حق بیشتر و حق حاکمیت بالای زن را قایل میشود که باعث وابستگی زن به مرد میگردد.

به همین ترتیب یکی دیگر از این نوع عنعنات ترجیح دادن فرزند پسر بر فرزند دختر است. این عنعنه باعث میگردد که دختر از حق مساوی دسترسی به صحت، غذای مناسب و تعلیم و تربیه و فرصت انتخاب همسر برخوردار نشود.

در اکثر جوامع به شمول افغانستان سلسله خانواده‌ها به وسیله پسر به پیش برده میشود، حفظ نسل و نام خانواده مربوط به پسران است، دختر در بسیاری حالات بعد از عروسی نام خانوادگی شوهر را اختیار میکند و نام خانوادگی خود را ترک میکند. ترس از دست دادن هویت خانواده باعث میشود همه خانواده‌ها بیشتر آرزوی فرزند پسر را داشته باشند. بعضی از مردان برای مرتبه دوم و سوم عروسی میکنند تا فرزند پسر داشته باشند.

ترجیح داشتن پسر باعث می‌گردد که در حالات مختلف خانواده ها دختران را قربانی حفظ پسران شان کنند، تبادلۀ دختر در بدل جرمی کهظ پسر خانواده انجام داده است به خانواده متضرر که باعث ایجاد بدبختی های فراوان برای دختر میشود؛ یکی از اثرات آشکار ترجیح دادن پسر بر دختر است.

بر علاوه ازدواج در کودکی یکی دیگر از مشکلات عمده است که از طریق عنعنات تمیل می‌گردد. ازدواج در طفولیت دوران طفولیت طفل را به یغما میبرد؛ دورانی که برای رشد، نمو فیزیکی و روانی طفل بسیار ضرور است. در حقیقت ازدواج در خوردسالی ضربه خطرناکی است بر روان طفلی که می‌خواهد هنوز در کنار مادر و پدرش به سر برد و بر علاوه تفاوت فاحش بین دختر خرد سال و شوهرش که معمولا بسیار مسن تر از وی است باعث می‌گردد که هیچ نوع تشابه در احساسات و تمایلات آندو وجود نداشته باشد.

امروز در افغانستان حد اقل 90% زنان در دهات زندگی میکنند و آنها همیشه از انواع عنعنات و رسوم ناپسند که بالای شان تمیل می‌گردد رنج می‌برند. این عنعنات و رسوم خود باعث میشود تا زنان بعد از تحمل مشکلات زیاد بلاخره با فرار از منزل و یا با خودکشی خود را نجات دهند.

بر علاوه می‌بینیم که در شرایط کنونی افغانستان عامل عمده و اساسی که نیروی الزامی عرف را تقویت می بخشد علاقه در داشتن قدرت و حاکمیت است چه این حاکمیت در سطح خانواده باشد یا منطقه و به دلیلی اینکه مردم اعتقاد قوی به عنعنات دارند اعمال عنعنات را مردان بیشتر به عنوان منشا حفظ قدرت نیز استفاده میکنند.

در نتیجه میتوان گفت که در بسیاری حالات عوامل ضمني انگیزه قویتر برای وقوع حوادث فرار از منزل زنان تلقی میشوند.

7. بررسی موقف قوانین افغانستان در رابطه به فرار از منزل:

فرار از منزل به حیث یک عمل جرمی در قوانین افغانستان و به خصوص در قانون جزا افغانستان تعریف نشده است. به همین جهت موقف قوانین افغانستان در رابطه به فرار از منزل بیشتر به اتکا به ماده 130²¹ قانون اساسی کشور که تذکر میدهد «در حالاتی که حکمی در رابطه به موضوع وجود نداشته باشد به اساسات شریعت اسلام رجوع میشود...» سرچشمه میگردد. همچنان مواردی در قوانین افغانستان وجود دارد که به صورت ضمني به حالات مختلفی که میتواند به فرار زن و یا دختر از منزل رابطه داشته باشد؛ روشی انداخته شده است. این موارد ذیل ذکر میگردد:

فرار به مقصد ازدواج: ماده 425²² قانون جزا چنین صراحت دارد:

«هر گاه شخصی دختر را که سن (16) سالگی را تکمیل کرده باشد بمنظور ازدواج از محل اقامت اش با خود برد در صورت که به رضا و رغبت قانوناً با وی عقد ازدواج کند این عمل اختطاف شمرده نمی شود. رفتن به محکمه بمنظور نکاح و اخذ نکاح خط جرم نیست.»

ضمناً در همین مورد ماده 70²³ قانون مدنی نیز میتواند مورد استفاده قرار گیرد

21. محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می کنند. هرگاه برای قضیه بی از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می نمایند که عدالت را به بهترین وجه تامین نماید.

22. قانون جزا کابل: وزارت عدلیه جریده رسمی 1355 م 425

23. قانون جزا کابل: وزارت عدلیه جریده رسمی 1355 م 70

«اهلیت ازدواج وقتی کامل می‌گردد که ذکور سن (18) و اناث (16) را تکمیل کرده باشد.»
 همچنان ماده²⁴ (80) قانون مدنی صراحت دارد:
 «هر گاه عاقله رشیده بدون موافقه ولی ازدواج کند. عقد نکاح نافذ و لازم می‌باشد.»

فرار به مقصد ارتکاب جرایم اخلاقی: و در صورتیکه فرار زن از منزل به هدف ارتکاب جرایم اخلاقی صورت بگیرد این موضوع بر اساس ماده 427 قانون جزا افغانستان بررسی می‌گردد که چنین آمده است:
 «شخصیکه با مونث زنا یا لواط ویا با مذکر لواط نماید حسب احوال به حبس طویل محکوم می‌گردد...»
 سایر جنبه های فرار از منزل به شمول فرار از خشونت در قوانین انعکاس روشن ندارد.

8. مشکلات فرار راه رسیدگی به قضایای فرار از منزل

با اینکه قوانین در افغانستان فرار از منزل را به مفهوم مجرد آن جرم ندانسته اند اما در عمل این موضوع در ادارات عدلی و قضایی افغانستان مورد بررسی قرار می‌گیرد. و بر علاوه به دلیل اینکه این موضوع در قانون وضاحت ندارد رسیدگی به آن را به حکم ماده 130 و 131 قانون اساسی محول می‌کنند. شرایط و حالات مختلفه در رابطه به فرار از منزل که از دیدگاه شریعت به این موضوع ارتباط می‌گیرد به گونه های مختلف تبارز می‌کند. ما در اینجا می‌خواهیم نحوه رسیدگی به قضایای فرار از منزل را به اتکا به ماده 130 و 131 قانون اساسی از نظر تعدادی از مسوولین ارگان های عدلی و قضایی بیان کنیم و در ضمن تبصره بر عملی بودن آنها داشته باشیم:

الف: «در صورتیکه نزد حارنوال موظف حین بررسی قضیه فرار از منزل ثابت گردد که فراری برعلاوه فرار از منزل مرتکب جرم یا عملی دیگر شده باشد از طرف حارنوال موظف تائید یا قرار توقیف آن صادر می گردد و در ظرف پانزده روز اقامه دعوی (صورت دعوی) را ترتیب و به محکمه ذیصلاح ارائه میدارد اگر تحقیقات در مورد قضیه مذکور به اكمال نرسیده باشد بمنظور اكمال تحقیقات پانزده روز دیگر را از محکمه تمدید می گیرد بعد از تکمیل تحقیق دوسیه را به محکمه ارائه و برای متهم نوع جزا و اندازه جزائیکه مناسب حال وی باشد تقاضا می کند و در صورتیکه حارنوال موظف در ختم تحقیقات تشخیص کند که دلایل موجه و کافی الزام وجود ندارد دوسیه قضیه مذکور را حفظ می نماید.»

ب: «البته اجراءات در مورد ارتباط به اصل قضیه می گیرد. که در جریان تحقیق روشن می شود اگر فرار از منزل انگیزه جرمی غیر قابل تحمل احکام اسلامی و قوانین نافذ کشور نداشته باشد در دفاع از حق موصوفه در روشنی احکام شریعت و قانون اقدام می گردد. گویا که دولت و ادارات حقوقی مدافع حقوق موصوفه میباشد.»

ج: «از نقطه نظر اصول، قانون و شرع، هر گاه خشونت و زجر و شکنجه در یک خانواده ظهور میکند و این خشونت به حد اعظمی میرسد که خانم خانواده متذکره مجبور به فرار میشود؛ قبل از فرار از منزل، علل و انگیزه فرار و خشونت وارده را باید به ارگانهای عدلی و قضایی اطلاع دهد تا ادارات ذیربط بوقت و زمان اش جلو خشونت و بد رفتاری را بگیرد و علل و انگیزه آنرا جستجو نمایند و اگر فرد فراری از خشونت و بد رفتاری علیه خویش بکدام مرجع قانونی اطلاع ندهد در این صورت هیات ضبط قضایی با در نظر

داشت عملکرد فراري مطابق حکم مواد (130 و 131) قانون اساسي کشور وي را قابل تعقيب ميدانند. و اگر فرار از منزل به مقصد اجرائي عمل غير اخلاقي و شرعي باشد مطابق حکم ماده (427)²⁵ و يا با در نظر داشت ماده (29)²⁶ قانون جزا افغانستان قابل تعقيب بمرجع قضائي دانسته ميشود.²⁷

د: «در قانون جزاي افغانستان در رابطه به نشوز²⁸ کدام ماده وجود ندارد تا بر مبناي آن تکليف ناشزه مشخص شود. عدم گنجانيدن اين موضوع در قوانين بدین معني نيست که مقنن از روي فراموشي و يا سهواً به موضوع تماس نگرفته است بلکه از آنجا يک نشوز حالات و انواع متعدد دارد که در يک نوع ان حسن نيت و نيکي نهفته است؛ مثلاً عيادت پدر و مادر و يا خروج از منزل به اثر فشار هاي غير موجه و غير قابل تحمل شوهر که در آن قصور کمتری در اراده ناشزه مي باشد که البته درجه مسوليت با توجه به نيت ناشزه از خروج از منزل بيشتري ميگردد و در مواردی که انگيزه براي هموار ساختن روابط نا مشروع با فرد بيگانه و حتي در بعضی موارد منجر به روابط متداوم غير مشروع و بردن اموال و اولاد از خانه را در بر گيرد به برخورد قضايي ضرورت پيدا ميشود.²⁹

لهذا بر مبناي تعدد انواع نشوز مقنن آگاهانه آنرا در قانون جزا داخل نکرده است. ولي شريعت اسلامي جنبه هاي مختلف آنرا در نظر داشته است اگر قصور ناشزه اندک باشد ممکن قضيه با توصيه خاتمه يابد و

25. قانون جزا افغانستان

26. قانون جزا افغانستان

27. رئيس خرنوالي حوزه چهارده ولايت کابل مورخ 1384/7/30 ساعت 11 بجه قبل از ظهر

28. نشوز به نافرمانی و ناسازگار بودن زن به شوهر گفته می شود.

29. رئيس خرنوالي حوزه 8 ولايت کابل مصاحبه مورخ 1384/7/27 ساعت 2 بعد از ظهر

در موارد که ناشزه شدیداً قصور داشته و حرمت خانواده گی را زیر پا و روابط زنا شوهري را در نظر نگرفته و خلاف شرع عمل نموده قاضي متناسب به قصور اش جزاي حبس را تجویز و حکم مي نماید.»
با توجه به نظر فوق میتوان استنباط کرد که در حالي که فرار از منزل به منظور ارتکاب جرایم اخلاقي و جنایي صورت گرفته باشد؛ مرتکب نباید تحت عنوان فرار از منزل مورد تعقیب قرار گیرد بلکه به اتهام عملي جرمي که تعريف قانوني دارد باید با او برخورد صورت گیرد.

ه : « اجراءات ارگان حارنوالي در برخورد با قضايای جرمي بر اصل عدالت قضائي متكي میباشد. گرچه تعقیب مجرمين وظیفه قانوني حارنوالي بوده اما دفاع از يك فرد بي گناه مكلفیت مسلکي آن میباشد. هرگاه در جریان تحقیق برملا گردد که فرار زن از منزل شوهر بالاثّر شکنجه بدني و خشونت صورت گرفته نه تنها شخص متضرر در سایه حمایه قانون قرار میگیرد بلکه شخص که قانون را نقض و همسر خویشرا بدون موجب مورد شکنجه قرار داده است مورد سوال و پیگیری قانوني قرار مي گیرد. مشروط بر اینکه فرار زن از منزل با حسن نیت بوده يعني اینکه باشخص دیگری نامحرم ارتباط نداشته اقارب نزدیک وي از قبیل پدرومادر برادر وغيره ازاین امر درجریان بوده و زن بعد از فرار درمنزل اقارب محرم ویا موسسات خیریه دولتي پناه برده باشد.»³⁰

و: « در صورتیکه يك خانم بنابر انگیزه معقول ازمنزل شوهر فرار کند اولاً باید قبل از فرار به مراجع مربوطه رسمي مراجعه و شکایت نماید زیرا شرع و قانون از همچو خانمها حمایت مي نماید و در صورت عدم مراجعه

30. ریس کشف و تحقیق حارنوالي ولایت کابل ، مصاحبه شفاهی، 2005/10/7 ساعت 10قبل ازظهر

به مراجع رسمي بعد از فرار نیز به منزل محارم شرعي از قبیل برادر، کاکا، ماما را که از اقارب محارم باشد پناه برده باشد در غیر آن به اتهامات گوناگون مورد سوظن و باز پرسى قانوني قرار می گیرد. که البته در صورت تثبیت اتهام عندالحکمه تعقیب و در غیر آن بري الزمه شناخته میشود و در برابر خشونت بعمل آمده علیه وي عامل خشونت مورد تعقیب قانوني قرار میگیرد.³¹»

ز: « اگر فرار از منزل بهانه بوده باشد به مقصد اجرائی عمل غیر اخلاقی و شرعی و حارنوال با تحقیق الزام را بالایش وارد و در یافت نموده باشد مطابق احکام قانون جزا قابل تعقیب عدلی دانسته و از پیشگاه محکمه برای متهم مذکور مطالبه جزا را می نماید. نزد محکمه مطابق حکم ماده 427 بادر نظر داشت ماده (29) قانون جزا محکوم دانسته میشود.»

بر طبق این رسیدگی محکمه متهم مذکور حق دفاع را خودش یابه گرفتن وکیل مدافع، حق سکوت، حق استیناف خواهی، تمیز طلبی و غیره . . . دارا است.

ح: « حالت جبر و اکراه، در صورت اثبات مسولیت جزائی را از بین می برد اگر چه حرمت فعل بحال خود باقی میماند یعنی اگر خانم به این علت منزل شوهر را ترک میگوید با وجود حرمت فعل مسولیت جزائی ندارد.»

ک: « در طلاق لفظی خانم در فکر آینده خود میشود و رعایت قیوداتی را که عقد نکاح برای او ببار آورده بود برای خود لازم نمی داند و به ترک منزل شوهر می پردازد این هر دو حالت عوامل رفع مجازات میباشد چرا که رضایت و اختیار را از بین می برد و بحکم قاعده « الضرورات تبیح المحظورات» یعنی ضرورتها موانع را از

31. رئیس ریاست تدقیق حارنوالی ولایت کابل مورخ 2005/10/16 ساعت 9:30 قبل از ظهر

بين مي برد. مسوليت جزائي را نيز زائل مي سازد- ولي نبايد ضرر به ضرر معامله شود و ترك منزل بهدفع نامشروع صورت گيرد او در هر دو صورت يا به مرجع رسمي بمنظور دادخواهي و يا به خانه اقارب و محارم بمنظور اطلاع دهی منزل را ترك گفته ميتواند.³²

ل: « جبر و اكراه دائمي در محيط خانواده از طرف شوهر عليه خانمش درست نبوده اگر واقعاً چنين باشد زن مي تواند بمراجع امنيتي شكايه كند و يا با اقارب خود حالي سازد تا اوشان بمراجع مربوطه اطلاع دهند بر آمدن زن از خانه بمنظور شكايه و يا اطلاع به اقارب جرم نبوده ايفاي حق بوده ولي رفتن با نامحرم جرم است و جبر و اكراه بهانه طلاق رهائي را مفهوم دارد اگر طلاق ثابت باشد رفتن آن از خانه شوهر فرار گفته نمي شود. و اگر تحت اتهام فرار قرار گيرد حارنوال با تحقيقات الزام و عدم الزام را در يافت مي كند و موقوف قضا راجع به قانون روشن است كه اگر در قضيه قانون صراحت نداشت رجوع به فقه مي شود.»³³

م: « زنهاییكه از خانه شوهرشان به دليل جبر و ظلم فرار مي كنند اگر بخانه محارم شان پناه ببرند در آن كدام جرم و گناهي موجود نيست همچنان اگر در غير محارم شان بروند اما نشست آنها با زن باشد و همراه غير محارم خلوت نکنند هم جرم نمي باشد. بشرطيكه محارم نداشته باشد و يا اينكه از طرف محارم شان احساس خطر نمايند، البته نشست وسپري كردن شب همراي مرداني كه از جمله اقارب محارم شان نباشد شرعاً جرم پنداشته شده مرتكب تعزيراً قابل مجازات ميباشد.»³⁴

32. مصاحبه با محترم مراد علي مراد عضو ستره محكمه و رئيس ديوان مدني ستره محكمه بتاريخ 1384/6/18

33. مصاحبه با محترم ضامن علي بهسودي مستشار ديوان جزاي ستره محكمه 1384/6/18

34. محترم محمد علي اميني مستشار ديوان مدني ستره محكمه 1384/7/30

در رابطه به قضايای فرار به هدف ازدواج چنین ابراز نظر صورت گرفت:

« نقش والدین در معامله ازدواج دخترشان در حال تحقق شرایط ضروري و رضایت طرفین به این عقد صرف جنبه اعزازی و تشریفاتی دارد حضور و موافقت آنها از جمله شرایط مربوطه به عقد نمیباشد تا عدم رعایت آن جرم شمرده شود». ³⁵ چنانچه بر اساس ارقام ارائه شده توسط محکمه خانوادگی؛ تقریباً (21) نکاح به موافقت دختر و پسر بدون رضایت والدین شان در طی شش ماه سال گذشته به محکمه اختصاصی فامیلی بر اساس عقد قانونی صورت گرفته است.

از آنچه در فوق اظهار گردید ما میخواهیم برای بحث در رابطه به مشکلات فرا راه رسیدگی به قضايای فرار از منزل روی چند مورد ارائه شده به وسیله مسولین عدلی و قضایی مکثی داشته باشیم:

- شرط اطلاع دادن به مراجع عدلی و قضایی قبل از فرار:

در قدم اول زناني که دست به فرار از منزل میزنند به اساس نتایج این گزارش اکثراً خانم های بیسواد و کم سواد اند که به هیچ نوع اطلاعات حقوقی دسترسی ندارند و در نتیجه از امکانات و زمینه های که بتواند آنها را حمایت نماید نیز بی خبر اند. در چنین حالت این خانم ها زمانی که دست به فرار از منزل میزنند بدیهی نیست که به مشکلات و موانع مواجه میشوند که بعضاً این مشکلات آنها را به بیراهه سوق میدهد. . . .

- شرط اطلاع دادن به محارم شرعی و سایر اعضای خانواده:

چنانچه در مفهوم خشونت در برابر زنان صحبت نمودیم این خشونت بیشتر پدیده داخلی است که معمولاً از اجتماع داخل خانه نشات میکند. برعلاوه تذکر دادیم

که اکثریت موارد فرار از منزل در حقیقت ناشی از ازدواج های اجباری بوده که در سنین مختلف بالای دختران از طرف خانواده شان تطبیق گردیده است. از طرفی هم موضوعات مانند ناموس، غیرت و امثال آن از واژه های اند که بیشترین در ضدیت با زنان استفاده شده اند. این عوامل به ذات خود عرصه را برای دختر و یا خانمی که از خشونت های خانوادگی فرار کرده است تنگ میسازد که اول جرئت نماید و دوم اعتماد نماید و دوباره به افرادی که قبلاً مسول مشکلات امروزی او هستند مراجعه نماید. از اینرو اکثر دختران بدون توجه به این موضوع و بعضاً هم به اثر نداشتن آگاهی کامل از منزل بدون دادن اطلاع به فردی فرار میکنند.

- شرط ثابت ساختن مسله طلاق:

یکی از کلیدی ترین موضوعات در مباحثات متجربین قضایی و عدلی کشور در رابطه به قضایای فرار از منزل این بود که اگر فرار از منزل به دلیل دادن طلاق شفاهی صورت گرفته باشد و این موضوع ثابت شود؛ خانم مواخذه نمیگردد. اما باید توجه داشت که قانون با دادن حق طلاق شفاهی و حتی اشاری³⁶ به مرد زمینه و امکان اثبات آنرا از قبل بسیار محدود ساخته است. بر علاوه چون ازدواج ها و طلاق ها به ندرت رسماً ثبت میگردند، هر زمان امکان انکار از دادن طلاق نزد مرد موجود میماند. از طرف دیگر زنان چنانچه قبلاً هم ذکر شد از این همه موارد آگاهی کامل ندارند و نمیدانند در برخورد با چنین حالتی به کجا مراجعه کنند؛ در نتیجه به تصور اینکه طلاق صورت گرفته از

36 (زوج می تواند بصورت شفوی و یا تحریری زوجه اش را طلاق نماید. هرگاه زوج فاقد این دو وسیله باشد طلاق به اشارات معموله که صراحتاً معنی طلاق را افاده نماید، صورت گرفته میتواند.) ماده 139 قانون مدنی

خانه بیرون میشوند و در بسیاری حالات وقتی بعد از گذشت زمانی دوباره ازدواج میکنند؛ شوهر اولی میرسد و ادعا میکند که او هرگز خانمش را طلاق نداده است و در نتیجه خانم به اتهام فرار از منزل مجازات می‌گردد.

- شرط اقامت در موسسات خیریه و شرط همراهی با یک زن در جریان فرار و یا در محل اقامت بعد از فرار:

این شرط هم با اینکه ممکن است اما بازهم با در نظر داشت مشکل عدم دسترسی زنان به معلومات و اطلاعات کامل ممکن است آنها از چنین شرایط اطلاعی نداشته باشند.

با در نظر داشت استدلالی که در فوق ذکر شد می‌خواهیم به عنوان نتیجه بیان کنیم که لازمست با زنانی که از منزل فرار میکنند در قدم اول به مثابه یک قربانی برخورد صورت گیرد و کوشش شود عوامل و انگیزه های که او را به این امر واداشت بیشتر و عمیقتر بررسی گردد، تا عدالت به معنی واقعی آن قابلیت تطبیق را پیدا کند.

9. فرار از دیدگاه مردم:

در مصاحبه هائیکه با تعداد (276) تن از جمله افراد مختلف و مربوط به اقشار متفاوت اجتماعی صورت گرفت نقطه نظر های متفاوت در زمینه فرار از منزل دختران و زنان مطرح گردید؛ با اینکه این نظریات اکثراً طرفدار برخورد عادلانه با زنان و دختران که از منزل فرار کرده اند میباشد اما قسمتی از این نظریات درک و باور عنعنوی در جامعه افغانستان را نیز نمایان می‌سازد. در ذیل به طور مختصر بعضی از این نظریات را مرور می‌کنیم:

تعدادی زیادی از افراد یعنی (205) تن از جمله (170) تن طرفدار تامین حقوق زنان و دختران از جانب خانواده، اولیا و شوهران شان بوده و بطور کل با هر گونه خشونت و حق تلفی ناشی از برخوردهای تبعیض آمیز جنسی بین دختر و پسر در جهت انتخاب همسر، تعلیم و تربیه و دیگر حقوق و آرزومندی های شان ابراز مخالفت می کردند و فرار زنان و دختران را هم ناشی از عدم رعایت این دو اصل مهم میدانند، این عده در گام نخست والدین را مکلف و مسوول میدانند که بایست اولادهای شان اعم از پسر و دختر را به مکتب و دانشگاه بفرستند و در زمینه تعلیم و تربیت شان سعی بلیغ مبذول دارند و ایشان را به حقوق خود و دیگران ملتفت سازند، از قیودات بیجا و سرزنش های بی مورد ابا ورزیده و در همه امور بالاخص تعیین سرنوشت آتی زندگی شان با آن ها مشوره نموده و به نظریات و عقاید شان احترام بگذارند.

بعضی از این دیدگاه ها را در رابطه به فرار از منزل مرور میکنیم:

«متأسفانه بیشترین جار و جنجال های زندگی و از جمله فرار زنان و دختران از منزل در میان خانواده هایی بروز می کند که از نعمت سواد بهره کافی نداشته به تعلیم، تربیه و تامین حقوق دیگران کمتر توجه ای داشته اند و همین امر میتواند انگیزه ازدواج های اجباری و قبل از وقت را ایجاد نماید که عواقب ناگواری را درقبال میداشته باشد، به همین دلیل دختر و زنی که از منزل فرار کرده در بسیاری حالات مجرم نه بلکه قربانی میباشد.»

« بیشتر واقعات فرار از منزل ناشی از ازدواج های اجباری، تفاوت سن، به عقد در آوردن دختران در سنین کم، موجودیت مادراندرهای خشن و نهایتاً عدم رضایت در ازدواج ها میباشد.»

زنان و دخترانی که از روی ناچاری و یا عدم آگاهی از حقوق شان که شریعت اسلامی و قانون از آن حراست و حمایت مینماید، از منزل فرار می نمایند خواه نا خواه با مشکلات و نارسایی های ناخواسته دیگر و از جمله دوری و انزوا از جامعه و دوستان شان مواجه میشوند.»

«جامعه سنتی ما نمی تواند زن و دختری را که از منزل فرار کرده باشد دوباره با همان وقار و منزلت نخستین در آغوش گیرد و این همان لکه ایست که سالیان طولانی بر جبین روابط اجتماعی اش نمایان می گردد.»

«در حالیکه اکثریت مطلق جامعه ما از یک طرف ازدواج های قبل از وقت و اجباری و عدم رضایت دختران رویه زشت و نامطلوب شوهران و خانواده های شان و در نهایت حق تلفی ها و خشونت ها و رویه زشت و نا مطلوب را عامل فرار زن و دختر از منزل قلمداد می کنند، با آنهم این عمل را نامطلوب و توجیه ناپذیر خوانده و تاکید بر راه های حل دیگر چون جستجوی راه های مناسب مثل پناه بردن به قانون و سایر طرق معمول و قابل قبول دارند.»

« این عمل از نظر عرف قدیم که تا امروز معمول و پا بر جا است چنان زشت است که در بسیاری از جاها غیر قابل بخشش بوده و بعضی ها صرف قتل ناموسی را جبران آن میدانند. چنانچه این عمل اکثراً واقع شده است زیرا مردان شامل پدر، شوهر، برادر و سایرین چنین عملی را برای خانواده های شان ننگ و بی عزتی تلقی میکنند.»

10. نحوه رسیدگی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به قضایای فرار از منزل:

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که وظیفه نظارت، ارتقا و حمایت حقوق بشر را بر اساس قانون اساسی افغانستان دارا میباشد و به صورت مشخص قضایای خشونت در برابر زنان را همه روزه مورد

بررسی قرار میدهد نیز با قضایای فرار از منزل مواجه میگردد.

نحوه اجراءات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را به قضایای فرار از منزل ذیلاً مرور میکنیم:

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان قضایای فرار از منزل را به دو شیوه مورد رسیدگی قرار میدهد؛ اول به وسیله رسیدگی به شکایات وارده از طرف متضرر و یا وابستگانش و دوم از طریق نظارت مستقیم از محلات سلب آزادی، توقیف گاه ها، مراکز اصلاح و تربیت و امثال آن.

در مورد اول یعنی در مواردی که شکایت راجع میشود و یا خود زن و یا دختر فراری به کمیسیون مراجعه میکند؛ کمیسیون این خانم ها را از طریق وزارت امور زنان به خانه های امن معرفی میکند و در صورتی که قضایای آنها از این طریق به صورت مستقیم حل نشود کمیسیون رهنمایی ها و مشورت های لازم را با وزارت امور زنان و در صورت ضرورت با ادارات عدلی و قضایی ارائه میدارد. بر علاوه کمیسیون کوشش میکند تا از طریق میانجیگری موثر زمینه بازگشت زن و یا دختر را به خانواده اش مساعد گرداند و برای کسانی که عامل فرار زن از منزل گردیده اند توصیه های لازم را ارائه نماید.

در مورد دوم هرگاه کمیسیون در جریان نظارت های دوامدارش از مراکز سلب آزادی به مواردی بر بخورد که ثابت شود یک زن صرفاً به دلیل فرار از منزل در زندان به سر میبرد و یا ثابت شود که دوسیه او به صورت جدی مورد غور و رسیدگی قرار نمیگیرد و یا مشکلاتی دیگری وجود دارد در رابطه به حل این مشکلات به صورت مستقیم با مسولین داخل تماس شده کوشش میکند تا این مشکلات را از مجرای قانونی آن حل کند.

11. نحوه رسیده گی ریاست حقوق وزارت امور زنان به قضایای فرار از منزل:

وزارت امور زنان به مثابه یکی از نهاد های مسول دولتي در قبال حمايت و انکشاف حقوق زنان نیز به قضايای خشونت در برابر زنان و همچنان قضايای فرار از منزل مواجه است. چنانچه این وزارت در جریان سال 1384 به تعداد (118) قضیه فرار از منزل را بررسی کرده است.

ریاست حقوق وزارت زنان در رابطه به نحوه رسیدگی شان به قضايای فرار از منزل چنین ابراز نظر میکند. زنان و دخترانیکه از منزل فرار می کنند و بریاست حقوق مراجعه میکنند در قدم اول برای آنها مشوره های سالم داده میشود که باید به خانه خویش برگردند. اما در صورتیکه بازگشت آنان ممکن نباشد موضوع آنها بمراجع عدلی و قضایی محول میگردد. به طور عموم به محکمه اختصاصی خانوادگی جهت بررسی و فیصله فرستاده می شوند و یا هم طبق برنامه کاری به ریاست حقوق ولایت کابل فرستاده می شوند.

این ریاست سن زنان و دخترانی که به فرار از منزل روی میآورند معمولاً بین 13 الی 40 سال بیان میکند. ریاست حقوق وزارت امور زنان عوامل ذیل را بیشتر سبب فرار زنان و دختران از منزل میداند:

- 1- عدم درک و تفاهم مناسب میان والدین و فرزندان
- 2- عدم تناسب و هماهنگی میان نیازمندی های اجتماعی جوانان و درک خانواده ها
- 3- عدم آگاهی دختران از عواقب فرار از منزل
- 4- تحمیل ازدواج های اجباری بالای دختران
- 5- تحمیل ازدواج ها در سنین کودکی
- 6- سطح پائین اقتصاد
- 7- خشونت های خانوادگی

این وزارت در رسیدگی به قضايای فرار از منزل به مشکلاتی نیز مواجه است؛ چنانچه زمانی که قضايای فرار از منزل به این ریاست مراجعه میکند، ریاست

حقوق این وزارت در قدم نخست در قسمت نگهداشت و محافظت آنان بمشکل مواجه میشود چون در اکثر این قضایا زنان فراري دوباره به خانواده هایشان برگشت نمی توانند.

در قدم بعدي این وزارت در قسمت پیشبرد قضایا، دچار مشکلات شده زیرا از یک طرف مراجعه کننده واقعیت را بازگونی نماید و آنرا کتمان مینماید و از طرف دیگر زمانیکه موضوع نسبتی شان به مراجع ذیربط و یا محاکم راجع میگردد، در آنجا نیز مشکلات فراوانی چون عدم اجراءات درست ارگان های ذیربط و عدم تطبیق درست قوانین نافذ کشور باعث کندي در پیشرفت قضایا بوده که روی این ملحوظ اکثریت قضایای فرار از منزل، بصورت صحیح آن تحت بررسی قرار نگرفته و وصف جرمی آن تغییر میکند و مطابق آن جزای متفاوت به آن تعیین میگردد که از این ناحیه فعلاً زنان به مشکلات جدی مواجه اند .

12. نحوه رسیدگی خانه امن (شلتر) به زنان فرار از منزل:

خانه های امن که بیشتر به نام (شلتر) شناخته شده اند درین اواخر به وسیله نهاد های مدافع حقوق زنان ایجاد شده اند. هدف اساسی از ایجاد این خانه ها ایجاد یک مکان برای زنانی است که در اثر خشونت های خانوادگی و حوادث مختلف بی سرپرست و بی خانه میشوند، و هیچ جایی برای پناه بردن ندارند؛ البته این خانه ها صرفاً برای نگهداری موقت از زنان بی سرپرست فعالیت می کنند و زمانی که اطمینان از حل مشکل زنان مذکور حاصل شده آنها از طریق وزارت امور زنان در قید ضمانت دوباره به خانواده هایشان بر گردانده میشوند.

با اینکه شمار این خانه ها اندک است اما توانسته اند به یک مکان مصون برای زنان تبدیل شوند.

بر اساس معلومات ارائه شده از طرف مسول يکي از خانه هاي امن درين خانه حدود 25 خانم فعلا بود و باش دارند که عمدتاً بر اساس خشونت هاي خانوادگي مجبور به فرار گرديده اند. قضايای فرار از منزل عمدتاً از طريق وزارت امور زنان به خانه هاي امن راجع شده است که دوسيه هاي آنان در محاکم و ادارت عدلي در جريان قرار دارند. درين ميان همچنان قضايای است که قبل از ارجاع به محاکمه بر اساس تفاهم با خانواده هاي شان و با اخذ ضمانت دوباره به خانواده هاي شان بر گردانده شده اند. البته بر گرداندن زنان به خانواده هاي شان صرفاً بر اساس رضایت خود خانم و تنها زمانی که خانم از مصونیت خود در منزل اطمینان حاصل نماید صورت میگیرد و بر علاوه قبل از تسلیم دهی اطمینان حاصل میشود که جار و جنجال هاي موجود بر طرف شده باشد.

يکي از کارکنان خانه هاي امن در رابطه به مشکلات اصلي اين زنان و دختران چنین گفت:

« عمده ترين مشکل خانمهاي که در اين نوع مراکز بود باش دارند عبارت از بلاتکلیفی شان می باشد به بیان ديگر اين عده ازخانمها یک مدت مدیدی را در اين مراکز بسر می برند تا موضوع ویا مشکل شان حل شود واینده شان معلوم شود وگاهی هم اتفاق می افتد که یکعده از این خانمها سالیان درازی را در اینجا بسر میبرند بدون اینکه از آینده خود باخبر باشند زیرا خانواده هاي شان به برگشت دوباره شان حاضر نمی باشند و امکانات جذب شان در اجتماع نیز میسر نیست»³⁷

بر علاوه درین خانه ها زناني که بعد از فرار از منزل به زندان رفته اند و بعد از ختم معیاد زندان کسی حاضر به پذیرش آنها به خانواده نشده است نیز

37. ماري اکرمي ، مسوول مراکز امن درکابل ، مصاحبه شفاهي، کابل، 2006/04/13

به سر میبرند که فعلاً به تعداد (9) تن از این خانم ها در خانه امن به سر میبرند.

بخش سوم

نتیجه گیری و پیشنهادات

نتیجه گیری:

با در نظر داشت مواد جمع آوری شده فوق و عمدتاً عوامل و انگیزه های فرار از منزل به صورت خلاصه چنین نتیجه میگیریم:

1. عوامل و علل فرار از منزل زنان پیامد ازدواج های دوران کودکی و ازدواج های اجباری، خشونت های خانواده گی، بیسوادی و عدم آگاهی از حقوق (شرعی و قانونی) و امثال آن می باشد که این عوامل باعث میگردد؛ دختران به موجب فرار از مشکلات از منزل فرار کنند.

2. علل و انگیزه فرار از منزل دختران خشونت و حق تلفی های ناشی از برخوردهای تبعیض آمیز جنسی بین (دختر و پسر) در جهت انتخاب همسر، تعلیم و تربیه و دیگر حقوق و آرزومندی هایشان میباشد.

3. فرار از منزل زن نه از نگاه شریعت اسلام و نه از نگاه قوانین نافذ کشور و میثاق های بین المللی به صورت مجرد آن جرم نیست مگر اینکه مرتکب کدام عمل دیگر خلاف شرعیت و قانون گردیده باشد.

4. اگر دختر بالغ و عاقل بدون موافقت و حضور والدین برضا و رغبت خود همراه با کفو یعنی مرد مساوی

- خود به نکاح صحیح و شرعی ازدواج کند این عمل وی از نگاه شرع و قانون جرم شمرده نمی شود.
5. عدم مراعات ماده (70-80 و بند ماده 71) جلد اول قانون مدنی و بند اول ماده (517) قانون جزا یکی از آشکارترین تخلفات از مواد قانون در تصمیم گیری های ازدواج دوران کودکی و ازدواجهای اجباری بدون رضا و رغبت می باشد که بلاخره به فرار از منزل منجر میشود.
6. ازدواج ها در اثر معاملات که انگیزه های اقتصادی دارند مانند (بدل و بد دادن) بدون در نظر داشت رضا و رغبت، سن زوجین نیز باعث فرار دختران از منزل میگردد.
7. بررسی دقیق قضایای ثبت شده نشاندهنده آن است که گراف بالای حوادث فرار از منزل در میان جمعیت بیسواد و کم سواد و آنانی که آگاهی کمتری از حقوق شرعی و قانونی قرار دارند؛ واقع میگردد.
8. ناسالم بودن برخی ارگانهای امنیتی سبب ایجاد مشکلات بیشتر در راه تامین حقوق همه مردم مخصوصاً زنان و دختران ناآگاه جامعه شده است.
9. بررسی قضایای ثبت شده نمایانگر ارجحیت عرف و عنعنات بر شعایر اسلامی و قوانین کشور در میان اکثریت مردم می باشد.
10. در اکثر قضایای فرار ثابت و آشکار دیده شده است که اقتصاد ضعیف عمدتاً زمینه نامزدي ها و ازدواج های دوران کودکی دختران جوان و زنان بیوه را مساعد ساخته است.
11. از مصاحبه با ملا امامان مساجد استنباط میگردد که آنها نیز در بعضی موارد تحت تاثیرات عرف و عنعنات محل قرارگرفته و احکام شرعی را نمیتوانند جهت رهنمائی زنان و دختران به صورت واضح و آشکار بیان کنند.

12. خشونت استقلال فکري زن را از بين مي برد و توانمندی براي ايجاد روابط سالم و صمیمانه خانواده گي را کاهش ميدهد تربیت اطفال و تنظيم خانواده را مختل مي سازد و وقتي راهي براي بيرون رفت از خشونت وجود نداشته باشد فرار از منزل به وقوع ميپيوندد.

پیشنهادات:

1. دولت افغانستان به منظور برخورد مناسب و عادلانه به قضایای خشونت های خانوادگی در برابر زنان و ایجاد حمایت های قانونی در ینمورد باید به وضع قانون مشخص برای محو خشونت در برابر زنان متوسل شود؛ که در این قانون خشونت های خانوادگی به وضاحت تعریف گردیده و راه های قانونی مبارزه با آن تشخیص گردیده باشد.
2. ارگانهای حراست از قانون مرتکبین و عاملین ازدواجهای دوران کودکی و ازدواج های اجباری را به صورت مشخص مورد باز پرس و تعقیب عدلی قرار دهند.
3. دولت زمینه دسترسی زنان را به ادارات امنیتی، عدلی و قضایی در سرتاسر کشور با گشودن نمایندگی های این ادارات در سطح ولسوالی ها و پایانتر از آن مساعد سازد
4. دولت باید در ایجاد پولیس خانوادگی، تربیه و استخدام وکیل مدافع و ایجاد نهاد های مماثل حقوقی و مشورتی در سرتاسر کشور اقدام جدی کند. به همین ترتیب باید اقدامات جدی در راستای تربیت پولیس و کارمندان ادارات حراست از حقوق در جهت گسترش بینایی جنسیتی صورت گیرد.
5. به عنوان اقدامات وقایوی دولت باید زمینه دسترسی زنان را به آموزش، کار، استقلال اقتصادی و آگاهی حقوقی فراهم کند.
6. دولت باید سطح آگاهی حقوقی و شرعی زنان و به طور کل اجتماع را در رابطه به حقوق خصوصی و مدنی زنان به شمول حق زنان در امور مربوط به ازدواج از طریق انتشار برنامه های تنویری و راه اندازی تبلیغات موثر در مساجد و تکایا بلند برد؛ تا بدین وسیله زنان با آگاهی از حقوق شان پیرامون زنده گی و آینده شان از زیر بار تصمیم دیگران فارغ و خود

- صاحب صلاحیت تصمیم‌گیری عاقلانه در تعیین سرنوشت خود شوند.
7. دولت باید در جهت نهادینه کردن احترام به حقوق زنان و نکوهش خشونت در برابر زن در نصاب تعلیمی افغانستان توجه جدی مبذول دارد.
8. دولت ثبت نکاح خط‌ها و طلاق‌نامه‌ها را در یک مرجع رسمی (به شکل خیلی ساده و سهل‌آن) برای تمام افراد جبری بسازد.
9. نهاد‌های جامعه مدنی فرهنگ احترام به حقوق انسانی را از طریق راه‌اندازی برنامه‌های تنویری تقویه نمایند، تا آنانیکه فرار از منزل را به حیث آخرین چاره‌ای نجات از خشونت و جبر برمی‌گزینند مجبور نشوند شالوده‌زنده‌گی خود و خانواده خود را با این عمل برهم بزنند.
10. نهاد‌های جامعه مدنی، نهاد‌های مدافع حقوق بشر، موسسات، سازمان‌ها و نهاد‌های کمک‌کننده افغانستان باید دولت این کشور را در امر پیاده کردن پیشنهادات فوق و هر عمل دیگری که باعث محو خشونت در برابر زنان گردد؛ همکاری همه‌جانبه کنند.

ضمیمه شماره 1

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقیقاتی فرار از منزل

سوالنامه برای روشنفکران

پرسشنامه شماره (1)

آدرس مصاحبه شونده :

تاریخ مصاحبه :

ولایت مصاحبه شونده :

مصاحبه کننده :

ولسوالی / شهر :

وقت مصاحبه :

1. از نظر شما عوامل و انگیزه اصلی که یک دختر از منزل فرار می کند چیست؟

2. مسولیت والدین در برابر دختر شان چه می باشد؟

3. چگونه میتوان از عمل فرار جلوگیری کرد؟

4. موقوف یک دختر بعد از فرار از منزل در جامعه چگونه ارزیابی می کنید؟

5. برداشت شما از این عمل چگونه می باشد؟

6. آیا جذب مجددش در اجتماع امکان پذیر است؟

7. فرار یک دختر از منزل از کدام دیدگاه جرم و گناه محسوب می‌گردد.

الف: شریعت اسلام

ب: قانون

ج: عرف

د: اجزای الف، ب، ج،

ه: هیچ کدام

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقیقاتی فرار از منزل

سوالنامه برای

روشنفکران

پرسشنامه شماره (2)

آدرس مصاحبه شونده :

تاریخ مصاحبه :

ولایت مصاحبه شونده :

مصاحبه کننده :

ولسوالی / شهر :

وقت مصاحبه :

1. چي عوامل باعث فرار يك زن از منزل مي گردد؟

2. از نظر شما زنیکه فرار کرد مورد قبول شوهر و احترام مردم قرار خواهد گرفت؟

بلي
به کدام دلیل

نخیر
به کدام دلیل

3. شوهر چه روشي را اختیارکند که خانمش به این عمل دست نزند؟

4. آیا فرار يك زن از منزل جرم یا گناه است؟

از نگاه عرف

از نگاه قانون

از نگاه شریعت

هیچ کدام

5. وظیفه شما در رابطه جلوگیری از فرار دختران و زنان از منزل چیست؟

6. در فرار از منزل کدام یک را بیشتر مقصر میدانید؟

زن

شوهر

7. به نظر شما این عمل در کدام طبقه جامعه بیشتر دیده می

شود؟

طبقه آگاه جامعه

غیر آگاه جامعه

8. به نظر شما چگونه میتوان از چنین عمل جلوگیری کرد؟

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقیقاتی فرار از منزل

سوالنامه برای

ملا امام مسجد

پرسشنامه شماره (3)

آدرس مصاحبه شونده :

تاریخ مصاحبه :

ولایت مصاحبه شونده :

مصاحبه کننده :

ولسوالي / شهر :

وقت مصاحبه :

1. زنیکه باثر ظلم و شکنجه شوهر از منزل فرار میکند

شریعت اسلام چه حکم می کند؟

از نظر آیت مبارک

از نظر حدیث شریف

2. دختریکه باثر جبر و ستم از منزل فرار میکند شریعت اسلام

چه حکم می کند؟

از نظر آیت مبارک

از نظر حدیث شریف

3. زنیکه از منزل فرار میکند از لحاظ شرعی مرتکب عملی

گردیده باشد شریعت اسلام چه حکم میکند؟

از نظر آیت مبارک

از نظر حدیث شریف

4. دختریکه از منزل فرار مینماید و از لحاظ شرعی مرتکب

عملی میشود شریعت اسلام در مورد چه حکم میکند؟

از نظر آیت مبارک

از نظر حدیث شریف

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقیقاتی فرار از منزل
سوالنامه برای مسوولین زندانها

پرسشنامه شماره (4)

آدرس مصاحبه شونده :
تاریخ مصاحبه :
ولایت مصاحبه شونده :
مصاحبه کننده :
ولسوالی / شهر :
وقت مصاحبه :

1. شما جرم فرار از منزل زنان و دختران را به تناسب سایر متهمین چگونه ارزیابی می کنید؟

2. به نظر شما زندانی شدن شان تاثیرات اصلاحی دارد یا عکس آن « منفي »

3. کدام جنبه های اصلاحی را برای ایشان در داخل زندان لازم میدانید ؟

4. سلوک احسن متهمین فرار از منزل و گزارش شما در مورد و رهایی و یا تخفیف جرم شان چه تاثیراتی خواهد داشت؟

5. شمار متهمین فرار از منزل طی این سال چقدر است؟

6. مکلفیت تامین نفقه زنان بدون اقارب و اولیا بدوش کیست و از کدام مجرا تامین گردد؟

7. زنان و دخترانیکه بعد از فرار از منزل زندانی گردیده اند تصامیم محاکم در مورد شان چگونه بود؟

8. برای اصلاح و تربیت ایشان بغير از زندان جاي ديگري را لازم میدانید؟

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقیقاتی فرار از منزل

سوالنامه برای مسولین شلتر

پرسشنامه شماره (5)

آدرس مصاحبه شونده :

تاریخ مصاحبه :

ولایت مصاحبه شونده :

مصاحبه کننده :

ولسوالی / شهر :

وقت مصاحبه :

1. شرایط پذیرش زن و دختریکه از منزل فرار میکند چیست؟

2. آیا به نظر شما اقامت مرتکبین این عمل را در شلتر بهتر میدانند یا زندان.

بلی

به کدام دلیل:

نخیر
به کدام دلیل:

3. آیا اجازه دیدن فامیل و اقارب خود را دارند؟

بلی

به کدام دلیل:

نخیر
به کدام دلیل:

4. چي تعداد دختراني که از منزل فرار کرده اند در مرکز شما موجود اند؟

5. به طور اوسط هر سال چي تعداد دختران که فرار از منزل اند به شما مراجعه مي کنند؟

6. دختراني که از منزل فرار مي کنند از چي طريق به شما معرفي مي شوند؟

7. اقامت مرتکبين اين عمل را در شلتر مفيد ميدانند؟

بلي

به کدام دليل:

خیر

به کدام دليل:

8. به رويت کدام اسناد ايشان را به اشخاص ميسپاريد؟

بلي

به کدام دليل:

نخير

به کدام دليل:

9. يك زن و دختر تا چه مدتي در شلتر بوده ميتوانند؟

10. به نظر شما کدام جاها براي مرتکبين اين عمل خوب است؟
1. زندان

2. شلتر

و تاثيرات رواني اين محلات را بيان داريد؟

11. دیده گاه مردم نسبت به شلتر چگونه است؟

نهاد تحقيقاتي حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقيقاتي فرار از منزل

سوالنامه براي مردم عام

پرسشنامه شماره (6)

آدرس مصاحبه شونده :

تاريخ مصاحبه :

ولايت مصاحبه شونده :

مصاحبه کننده :

ولسوالي / شهر :

وقت مصاحبه :

1. از نظر شما چه باعث میشود که یک زن از منزل فرار مینماید؟

2. برخورد نادرست شوهر و یا مداخله فامیل ها را در این جرم دخیل میدانید؟

بلی
به کدام دلیل:

نخیر
به کدام دلیل:

3. به نظر شما زن یا شوهر را بیشتر مقصر میدانید؟

بلی
به کدام دلیل:

نخیر
به کدام دلیل:

4. شوهر چه روشی را اختیار نماید که خانمش با این عمل دست نزند؟

5. از نظر شما آیا زن بعد از فرار مورد احترام و قبول شوهر قرار خواهد گرفت؟

بلي

به کدام دليل:

نخير

به کدام دليل:

6. به نظر شما فرار از منزل چاره حل پرابلم هاي زن شده
میتواند؟

بلي

به کدام دليل:

نخير

به کدام دليل:

7. آیا فرار زن از منزل از نگاه شريعت اسلام گناه است؟

بلي

به کدام دليل:

نخير

به کدام دليل:

8. دیدگاه مردم در برابر فرار از منزل يك زن چه خواهد بود؟

9. آیا فرارزن از منزل از نگاه قانون جرم است؟
بلي به کدام دليل:

خیر به کدام دليل:

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقیقاتی فرار از منزل

سوالنامه برای مردم عام

پرسشنامه شماره (7)

آدرس مصاحبه شونده :

تاریخ مصاحبه :

ولایت مصاحبه شونده :

مصاحبه کننده :

ولسوالی / شهر :

وقت مصاحبه :

1. از نظر شما چه باعث می شود که دختر از منزل فرار می کند؟

2. دیدگاه مردم در برابر چنین عملی چه خواهد بود؟

3. دختری که فرار می نماید قابل قبول و احترام مردم خواهد بود؟

بلی

به کدام دلیل:

نخیر

به کدام دلیل:

4. اگر دختری فرار کرده به منزل شما پناه بیاورد چي عكس

العمل نشان می دهید؟

5. علت اساسی که دختر فرار می کند چیست؟

6. فامیل ها چگونه روشی را اختیار نمایند تا دخترشان دست به فرار نزد؟

7. آیا فرار دختر از منزل از نگاه شریعت اسلام گناه است؟

بلی
به کدام دلیل:

خیر
به کدام دلیل:

8. آیا فرار دختر از منزل از نگاه قانون جرم است؟

بلی
به کدام دلیل:

خیر
به کدام دلیل:

9. برخورد فامیل با دختر بعد از عمل فرار چطور باید باشد؟

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقیقاتی فرار از منزل

سوالنامه برای

دختران داخل شلتر

پرسشنامه شماره (8)

آدرس مصاحبه شونده :

تاریخ مصاحبه :

ولایت مصاحبه شونده :

مصاحبه کننده :

ولسوالی / شهر :

وقت مصاحبه :

1. علت که شما در اینجا آمدید چیست؟

1. چند سال دارید؟

2. تعداد اعضای فامیل تان چند نفر است؟

3. مادر، مادر اندر، پدر، پدر اندر، کاکا، ماما؛ نزد کی زندگی میکردید؟

4. آیا به نظر شما فرار از منزل راه حل پرابلم تان شده می تواند؟

بلی
به کدام دلیل:

خیر
چطور:

5. به چه فکر از خانه فرار نمودید؟

6. همراي چه کسي از منزل فرار کردید؟

7. چه عوامل باعث گردید تا شما از منزل فرار نمائید؟

8. رویه فامیل همرايتان چگونه بود؟

خوب به کدام دلیل:

بد به کدام دلیل:

9. در فامیل بیشتر از کي نا رضايي داشتید؟

10. زمانیکه دوباره نزد فامیل تان بروید چه فکر مي کنید؟

11. چطور دستگیر شدید؟

12. کسی از اعضای فامیل به دیدن تان می آید؟

13. آیا از عواقب فرار از منزل میفهمیدید؟

14. به آینده تان بعد از رهایی چه فکر می کنید؟

15. شما را کی به اینجا رهنمای یا (معرفی) کرده است؟

نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال

پروژه تحقیقاتی فرار از منزل

سوالنامه برای

زنان داخل شلتر

پرسشنامه شماره (9)

آدرس مصاحبه شونده :

تاریخ مصاحبه :

ولایت مصاحبه شونده :

مصاحبه کننده :

ولسوالی / شهر :

وقت مصاحبه :

1. علت که شما در اینجا آمدید چیست؟

1. چند سال داشتید که ازدواج نمودید؟

2. شوهر تان چند سال داشت؟

3. نوعیت ازدواج شما چگونه بود؟

1. نکاح در طفولیت

2. بدل

3. ازدواج خانم بیوه

4. با رضایت

5. بد

4. چند طفل دارید؟

5. شوهر تان خانم دیگر داشت؟

بلی

نخیر:

6. چند سال دارید؟

7. نوعیت زنده گی تان چگونه بود؟

الف: با فامیل شوهر « مشترک »

ب: مستقل

8. رویه شوهر تان همرايتان عادي، با خشونت و يا دوستانه بود؟

9. در عمل فرار از منزل کي را مقصر میدانید؟

خود

شوهر

فامیل شوهر

10. بعد از رهايي زندان دوباره همراي کي ميخواهيد زندگي کنيد؟

شوهر

پدرتان
با کسی دیگر
11. همراي کدام شخصي از منزل فرار کردید؟

آیا عواقب فرار از منزل را میدانستید؟
بلي
نخیر:

12. آیا کسی از فامیل به دیدن تان می آید؟

13. وقتی که شوهر تان شما را دوباره قبول نکند چه میکنید؟

14. شما را کي به اینجا رهنمائي يا (معرفي) کرده است؟

15. آیا به نظر شما فرار از منزل راه حل پرابلم تان شده
می تواند؟

بلي
نخیر
16. آیا عواقب فرار از منزل را میدانستید؟
بلي
نخیر

لست منابع ماخذ

- 1- فرهنگ دهخدا، تهران: دانشگاه تهران ، 1341
- 2- قانون مدني، کابل: وزارت عدليه، 1355
- 3- قانون جزاء، کابل: وزارت عدليه، 1355
- 4- رسولي محمد اشرف، ازدواج يا پيمان مقدس، پشاور: بازار قصه خواني، 1376
- 5- ويژه اسناد بين المللي حقوق بشر،؛ کابل: کمیسیون مستقل حقوق بشر، 1382
- 6- بد مسکن درد آور، کابل: نهاد تحقيقاتي حقوق زنان و اطفال، 1383